

دانشگاه‌های کشور: مبارزه ادامه دارد

دانشگاه اصفهان اعتراض جمعی نسبت به وضعیت غذا و امکانات آموزشی بوقوع پیوست. به دنبال این امر سپاه پاسداران دانشگاه اصفهان را به محاصره درآورد و تعداد ۲۲ نفر از دانشجویان را در محل دانشگاه دستگیر کرده با خود برد. از سرنوشت دستگیرشدگان اطلاعی در دست نیست.

با فرارسیدن ۱۶ آذر در برخی دانشگاه‌ها متصدیان امور "دست بقیه در صفحه ۱۴"

دانشجویی و تقویت جنبش دانشجویی بود. روز ۱۶ آذر، روز دانشجوی در بسیاری از دانشگاه‌ها و به اشکال مختلف گرامی داشته شد. در ادامه درج اخباری از حرکات دانشجویی در شماره‌های گذشته به انتشار اخباری از دانشگاه‌های کشور می‌پردازیم:

دانشگاه اصفهان

در هفته دوم آذر ماه در

حرکات اعتراضی در دانشگاه‌های کشور گسترش یافته است. این حرکات که بر بنیاد خواسته‌های صنفی دانشجویان شکل گرفته است بخاطر شرایط حاکم بر کشور بازتاب سیاسی وسیعی داشته است. آذرماه که در تاریخ جنبش دانشجویی همیشه ماه بروز پدیده‌ترین حرکات دانشجویی بوده است، امسال نیز شاهد گسترش حرکات

وحشت‌خیزی از مبارزات کارگری

در روز ۲۵ دی ماه، از سوی خمینی نامه‌ای خطاب به کارگران کشور، به ویژه کارگران نفت، گاز، معادن، نیرو و صنایع سنگین انتشار یافت. در این نامه خمینی از کارگران خواست که تحت تأثیر "کارشکنی" و "تبلیغات" مخالفین نباشند و "با حفظ تلاش خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت در آورند."

خمینی تأکید کرد در شرایطی که رژیم وحده برطرف شدن نیازهای اقتصادی مردم را به چند سال بعد محول می‌کند، "مردم باید تصمیم خود را بگیرند یارگاه و مصرف‌گرایی و یا تحمل سختی و استقلال (!)". در نامه خمینی همچنین آمده است: "این از بدیهیات است که نارسایی‌های پس از جنگ به سرعت برطرف نمی‌شود و چند سالی وقت لازم است تا بقیه در صفحه ۹"

به مناسبت چهل و سومین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان

کردستان، آتشی خاموش ناشدنی است

سال ۱۹۱۹ برگزار گردید، شرکت نمایندگان کرد نیز مورد قبول واقع شد. بر اساس بندهای ۶۲، ۶۳ و ۶۴ پیمان "سور" استقلال کردستان شمالی تأیید شده و مقرر شد تحت نظارت انگلستان، یک دولت کردی به رهبری "شیخ محمود برزنجی" در سلیمانیه تأسیس گردد. پیمان لوزان، در سال ۱۹۲۳ که در آن استعمارگران انگلیسی و فرانسه منافع خود را بیشتر تحکیم بخشیدند و نقطه بقیه در صفحه ۶"

هراق و ترکیه دست خود را برای انجام هرچنانیتی در کردستان باز می‌بینند. از سوره نیز اگر خبری نیست، عمدتاً به خاطر محدود بودن جنبش "کردایتی" در منطقه کردنشین این کشور است.

مبارزات دیرینه خلق کرد

کردستان دارای یک سابقه دیرینه مبارزاتی است. رشد نوین جنبش کردستان از پایان قرن ۱۹ آغاز می‌شود. در کنفرانس "صلح" پاریس که در

کردستان، سرزمین رزم و رنج است. تصاویری که در ماههای اخیر در مورد کشتار جمعی خلق کرد به توسط بمب‌های شیمیایی در رسانه‌های گروهی جهان بازتاب یافت، تنها گوشه‌های کوچکی از ستمی را که بر توده‌های کرد روا می‌شود، منعکس می‌کند. همین تصاویر نیز، بازتاب شایسته خود را نیافتند. در برابر آنها چه بسا سکوت شد و در نهایت اعتراضات ساده‌ای ابراز گردید. رژیمهای ایران،



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۶۷ برابر ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹ بهار ۶۶ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۲

آن همه چگونه کشته شدند؟

از عمق فاجعه می‌گوییم

پادگان، در اوین زندانیان کلا در سه قسمت نگهداری میشوند.

قسمت اول "سایشگاه" نام دارد که دارای ۵۰۰ سلول یک نفره و تعداد کمی اتاق عمومی است، و معمولاً برای نگهداری زندانیان تحت بازجویی و تهیه انفرادی بکار میرود، گفته می‌شود که از زندانیان قدیمی این قسمت هیچکس زنده نمانده است.

قسمت دوم "آموزشگاه" نام دارد که دارای دو بخش مردانه و زنانه است، و هر بخش دارای سه طبقه است.

در طبقه‌های اول و دوم بخش مردانه گویا فقط در حدود ۳۰ نفر زنده باقی مانده‌اند. در طبقه سوم هم زندانیان بهایی و قاجاقچیان ارز و غیره بسر می‌برند که از موج اخیر اعدام‌ها جان سالم بدر برده‌اند. در مجموع این بخش مردانه شاید در حدود ۱۵۰ نفر

هر روز زوایای جدیدی از فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی آشکار می‌شود: نام‌های جدیدی شناسایی می‌شود، دلاوران اسیر دیگری به خاک افکنده می‌شوند و پرده از رازهای کشتار فرزندان دست بسته خلق به دست گورزادان قرون و اعصار به کنار زده می‌شود.

در هفته آینده اسامی و مشخصات بیش از ۵۷۰ تن شهیدان اخیر را در اکثریت خواهید خواند. در این شماره اخبار تازه‌ای از کشتار فرزندان اسیر خلق در سه زندان رژیم جلاذ خمینی درج می‌شود:

زندان اوین

۱- علاوه بر سلولهای مربوط به وزارت اطلاعات که برای بازجویی و نگهداری بازداشتی‌ها به کار میرود و دو قسمت اداری و

در این شماره

موج کشتار
راه حل رژیم فقها برای اعتیاد
در صفحه آخر

شرکت هیأت نمایندگی سازمان
در کنگره حزب کمونیست آلمان
در صفحه ۱۵

کمونیستها و اصلاحات
ترجمه شده از:

"مسائل صلح و سوسیالیسم"
در صفحه ۱۵

سهیلا درویش کهن:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

می پرداخت. قیچی، چسب، قلم و رنگ در کنارش بودند. یک کارت براق را بیرون می کشید و با قیچی به آن شکل می داد. گلی می ساخت که به رنگ شقایق بود و نوشته ای که با "مرگ بر خمینی" پایان می یافت. در آن محله خانه ای نبود که افراد آن تراکتهای دستخط سهیلا را ندیده باشند.

در مردادماه سال ۶۵ گزیده ها به سراقش می آیند. با دست بند در دست و در اسکورت هدهای پاسدار خود را در اوین می یابد. شلاق، بازجویی، شکنجه، .. با این همه، پرونده برای دژخیمان با چیز دندان گیری پر نشد. قاضی شرع طی یک قیام و قعود محکومیت او را اعلام می دارد. دو سال زندان.

برای این انقلابی کمونیست، این فرزند خلق، دور تازه ای آغاز شد و چه سرفراز این دوره را طی کرد. هر کرده و هر گفته وی در این دوره نیز نشانی از سرفرازی با خود دارد. از آن بیتی که بر تکه ای از چادر گلدوزی کرد و بیرون فرستاد، تا آن جملات سرشار از امیدی که (با وجود محدودیت ناشی از سانسور نامه ها) در نامه اش جامی داد. در یک نامه به خانواده اش که از زندانی بودن او دردمند و قصه دار بودند، دوران سخت را "خاطره ای شیرین" می نامد و مشحون در امید می نویسد. به یاد داشته باشید که سختی های زندگی میگذرد و در آینده به عنوان خاطره ای شیرین یاد می شود.

سهیلا در زندان همراه با دیگران زندانی سر موضع، اعتصابی را سازمان داد. انگیزه اعتصاب نحوه ساندن غذا به زندانیان بود. زندانبانان سهمیه غذای روزانه آن همه زندانی بند را در دیگ های بزرگ به طبخه همگف می آوردند و زندانیان ناچار بودند دیگ فوق العاده سنگین را با هزار مشقت به طبخه سوم بکشانند. بار خواسته زندانیان مبنی بر تحویل غذا در محل بند، اعتصاب غذا شکل گرفت. این اعتصاب پس از سه روز شکست خورد و زندانیان نتوانستند به خواسته خود دست یابند. به رقم این نتیجه، داوری سهیلا پیرامون این اعتصاب چنین بود: نتایج کار رضایت بخش بود. زیرا او از این اعتصاب کسب نتایج دیگری را هم مد نظر داشت: احیای همبستگی زندانیان، کسب آمادگی و تجربه

این شعر حافظ را سال گذشته سهیلا به هدیه برای خانواده اش فرستاد. دو مصراع را به رنگ سرخ بر روی تکه ای از چادر گلدوزی کرده بود. اکنون این شعر در حکم یادگاری از او بر جای مانده است؛ از او که صدای سخن عشق بود.

در خانواده و در میان دوستان او را سهیلا می نامیدند. اما بر شناسنامه اش نوشته شده است: سرور درویش کهن، متولد تهران به تاریخ دوم مهرماه ۱۳۴۵. جای تاریخ مرگ در شناسنامه اش خالی است. باید روزی در اوایل پائیز بوده باشد. او ۲۷ سال زندگی کرد.

در محله نظام آباد تهران به دنیا آمد. در همانجا به مدرسه رفت و بزرگ شد. آموزش درس مبارزه را از میان خانواده آغاز کرد؛ از پدری که در انتظار دمیدن سپیده صبح روزشماری می کرد و سالهای جوانی را به پای آن گذاشت. پدرش کارگری بود که نشان دستش بر اهرم چرخهای کارخانه های بسیاری در تهران نشسته است. او از زندگی آموخته بود که یک کارگر چگونه باید پیرامون خود را ببیند و بپاید. سهیلا نیز اینگونه پرورده شد. از این رو هنوز دوران درس و مدرسه اش پایان نگرفته بود که با عاطفه اش و شعورش با سازمان آمیخته شد.

روزهای توفانی سال ۱۳۵۷ فرا رسیده بودند. آن روزها شوق و شوری که از احمق جانش بر می خاست، بر جانها می نشست و انگیزه جوشش می شد. در دبیرستانی که تحصیل می کرد، دانش آموزان پیشگام را سازمان داد. او یکی از فعالترین پیشگامان دبیرستان ۱۷ شهریور بود.

هنگامی که دوره دبیرستان پایان یافت به جستجوی کار برخاست. برای امرار معاش، سر انجام این جستجو آن بود که همانند پدرش خود را در میان کارگران بیابد. در کارخانه هوخست تهران استخدام شد. عنوان: بسته بند. البته که کار دشوار بود. در آمد ناچیز و مخارج زندگی روز افزون. اما برای این کمونیست جوان، کارخانه جذبه ای داشت. در آنجا می آموخت و آموزش می داد. از گفتگو و مراد و با کارگران زحمتش چه چیزها که یاد نگرفت و آنها در گفتگو با او چه چیزها که نشنیدند. محبوب کارگران شده



برابر هر خانه، اعلامیه ای را زیر روپوشی گشاد بیرون می کشد و با ظرافت و سرعت از پاشنه در رد می کند و می رود. این کاری است که هر هفته و یا هر ماه تکرار می شود. چه دلی دارد این شیرزن.

سهیلا از زمره آن کسانی بود که وظایفش را با جانش، با وجدانش در می یافت. نمی توانست به خاطر وجود این مشکل تدارکاتی و یا آن مهمل تشکیلاتی منتظر بماند. وظیفه پیشبرد تبلیغات در محله ای را بر عهده داشت. کار باید انجام شود. در اتاق کوچکش اوراق کاغذ ولو می شدند در رنگهای مختلف. در میان آنها می نشست و با شوقی وصف ناپذیر به کار

بود؛ همچنان که پیش تر در خانواده و مدرسه محبوب آشنایان بود. با این همه در سال ۱۳۶۴ ناچار شد کارخانه را ترک کند. وضعیتی پیش آمد که کار او در کارخانه با امنیت سازمان در تعارض قرار گرفت.

مردم صلح می خواهند، جنگ را قطع کنید!
مرگ بر خمینی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تراکت دست نویسی به خط سهیلا، برگوشه چپ آن گل کوچکی چسبانده شده است به نشانه سازمان، به فدائیان خلق. هنوز هوا گرم و میش است که سهیلا بیرون می زند. در

کلیشه نامه‌ای از سهیلا که از زندان برای خانواده‌اش فرستاد

نام و نام خانوادگی: سرور درویش کهن - خدمت خانواده عزیزم سلام - امیدوارم حالتان خوب باشد - و باور داشته‌اند

۱- گفتم به شما که باید داشته باشید این را در دست بگیرید و در دستگیره به عنوان خانه‌ای شیرین از آن یاد می‌گیرد - کورس آن

۲- منوچهر در درون بسیار خوشحال می‌شود - به سیاحت نیز می‌رود که نگران من نباشد و از خوشی که دارد به شما خبر می‌دهد - استاده گزاه

۳- در مدرسه را می‌گذرانم، ساجد انجمن باید که شش خود را بکشد - به شما خبر می‌دهم برای این معین و سیاحت و سیاحت و مدرسه را می‌گذرانم

۴- بهنگام است - امیدوارم که سلامت ایندهم حضور شما باشد - تا بتوانم به شما خبر بدهم - اکبر و دالبر را می‌بینم شما دان عکس یاد است

۵- زود دهم برای من می‌کشد - از منوچهرت محاسن برای من می‌گوید و منوچهرت محاسن را می‌گوید - دالبر و دالبر را می‌بینم شما دان عکس یاد است

۶- دالبر و دالبر را می‌بینم شما دان عکس یاد است - تا بتوانم به شما خبر بدهم - اکبر و دالبر را می‌بینم شما دان عکس یاد است

۷- مطمئن هستم - امیدوارم که سلامت ایندهم حضور شما باشد - تا بتوانم به شما خبر بدهم - اکبر و دالبر را می‌بینم شما دان عکس یاد است

مهر و مهر در باز می‌شود
کسی که به شما خبر می‌دهد - سهیلا
آدرس فرستند:

ادین ۱۶ بزرگ سرور درویش کهن

برای تعرضات آتی و ... او درست می‌گفت. نتایج کار رضایت بخش بود. تابستان ۶۷ فرارسید و مدت دو سال محکومیت تمام شد. او دیگر باید آزاد شود. اما خبری نیست. در یکی از ملاقاتها به خانواده‌اش که از آزادی پرس و جو می‌کردند، پاسخ می‌دهد که او را جهت آزادی به بازجویی کشاندند. در بازجویی ابتدا از وی می‌خواستند که در پشت دوربین فیلمبرداری بنشیند و آنچه را که آنها می‌خواهند بگوید. پاسخ می‌شوند: نه! آنها سپس می‌گویند لاف تو به کن. محبت را، نظرت را، و سازمانت را تعقیب کن. پاسخ می‌شوند: نه! در پایان می‌گویند پس تعهد کن که دیگر گرد سیاست نگردی. پاسخ می‌شوند: نه! وقتی که سهیلا موقوف را بازگو می‌کرد، کسی از دیدار کنندگان گفت: سهیلا جان چرا تعهدنامه را نمی‌نویسی تا آزادت کنند؟ این سخن برای سهیلا اهانت سنگینی بود. او که آنهمه مهربان بود، از سر خشم گره بر ابروانش نشاند. لابد سهیلا با خودش می‌اندیشید که چگونه می‌تواند از من بخواهند که حکم قتل رفیقانم را مهر کنم؟ لبخند دوباره زمانی بر صورت سهیلا نشست که آن دیدار کننده از پیشنهاد ناآگاهانه خویش پوزش طلبید.

در همان تابستان دیدار نوبتی قطع شد. از آن پس هر روزه اعضای خانواده که مضطرب بودند در جستجوی خبری به اوین می‌رفتند. زندانیان پول را می‌گرفتند اما به هیچ پرسشی پاسخ نمی‌دادند. روزها به هفته‌ها و هفته‌ها به ماه‌ها رسیدند و به هیچ پرسشی پاسخ ندادند. سه ماه که

از عمق فاجعه می‌گویم

بقیه از صفحه اول
"دادگاه" می‌بردند، و هریک را روزانه محکوم به ۲۵ ضربه شلاق می‌کردند.

- در یکی از روزهای هفته دوم آذرماه، تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواهان کسب اطلاع درباره فرزندان شان شدند. شخصی به نام "کربلائی" که از مسئولان اوین است شروع به توهین به خانواده‌ها کرد. در این

شد دیگر از دریافت پول برای زندانی هم خودداری کردند. پس از پنج ماه بالاخره به حرف آمدند و آن خبر شوم را به خانواده دادند. ساکی از بازمانده وسایل سهیلا

میان، ماموران به پراکنده کردن مردم پرداختند و دو دختر را که مشغول جمع‌آوری اسامی اعدام شدگان بودند دستگیر کردند. از سرنوشت این دو نفر خبری در دست نیست.

- اغلب اعدام‌ها در اوین به وسیله دار صورت گرفته است. چوبه‌های ثابت‌دار را در سالن بزرگی در زیر قسمت قدیمی اوین نصب کرده و زندانیان را گروه گروه به دار آویخته‌اند. - در بین مردم شایع است که انفجار ۸ آبان در حوالی اوین مربوط به تونل یک معدن بوده که

بدست مادرش که شیون می‌کرد نهادند. بدینگونه رفیق سرور (سهیلا) درویش کهن، پیشگام جوان دبیرستان ۱۷ شهریور، کارگر کارخانه هوشست

هوامل رژیم در حدود ۴۶ نفر از زندانیان را در آن حبس کرده و به قتل رساندند. روزنامه‌های دولتی فقط گزارش دادند که انفجار در یک معدن در سعادت‌آباد رخ داده است.

زندان گوهر دشت

- ماموران رژیم جمهوری اسلامی می‌گویند پس از صدور فتوی خمینی برای اعدام‌های اخیر، در مردادماه بلافاصله حدود ۵۰۰ نفر در زندان گوهر دشت اعدام شدند. پنجاه و نه نفر از این تعداد در حضور دیگران، به دار

تهران و رومنده فدائی آن روزهای سخت جان باخت و جاودانه شد، همچون صدای سخن عشقی که او می‌گفت خوشترین یادگار مانده برگنبد و اراست.

آویخته شدند. - قبل از اعدام‌های زندان گوهر دشت، سه سؤال از زندانیان سیاسی پرسیده شد: آیا مسلمان هستید؟ نماز می‌خوانید؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، چرا نماز نمی‌خوانید؟ پس از پاسخ به این سؤالات، اعدام زندانیانی که نماز نمی‌خواندند، آغاز شد.

- در ماه آبان، عده‌ای از زندانیان گوهر دشت را که ناگزیر از نماز خواندن شده بودند، لخت و در حالی که فقط یک شورت بر تن داشتند، به حیاط زندان برده و آنها

موسوی اردبیلی: در فاصله ۱۰ روز حکم اعدام صادر می شود

همچنین هفته گذشته بیش از ۱۹۰ تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به اعضای شورایعالی قضایی، فعالیت‌های آن را مورد انتقاد قرار دادند و خواستار اقدام هرچه سریعتر دستگاه قضایی بر اساس نقطه نظرات خمینی شدند. در بخشی از نامه نمایندگان به شورایعالی قضایی آمده است: «رهنمودهای اخیر حضرت امام حکم تأییدی است بر ضعف‌های فراوان در دستگاههای قضایی. متأسفانه شورای محترم به تذکرات خیرخواهانه نمایندگان توجهی ننموده است.»

بر اساس طرحی که در آبان ماه در شورایعالی قضایی در زمینه «تئین دادرسی کیفری» تصویب شد، از این پس، پیش از صدور حکم قاضی دادگاه در دادرسی برای مراجعین پرونده‌ای جهت تحقیق و رسیدگی به شکایات آنان تشکیل نخواهد شد. سخنگوی شورایعالی قضایی توضیح داد که: «این طرح از دوباره کاری‌ها و نوبت‌های متعدد، مهملی پرونده و اینکه گاهی متهمین در دادرسی اقرار می‌کنند و در دادگاه انکار می‌کنند و مشکلاتی را بوجود می‌آورند رفع خواهد گردید.»

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور هفته گذشته در خطبه‌های نماز جمعه به مسئله صدور رای در دادگاههای «جنایی» پرداخت و اظهار داشت که مشکل صدور رای از سوی محاکم دادگاهها توسط خمینی بر طرف شده و از این پس فاصله زمان بررسی اتهام و صدور حکم اعدام حداکثر ۱۰ روز خواهد بود.

موسوی اردبیلی گفت مشکلات «دست و پاگیر» سیستم قضایی مانع صدور احکام بود و «اخیراً به حضرت امام اطلاع داده شد که صدور احکام به علت مشکلات دست و پاگیر به طول می‌انجامد، ایشان بذل توجه و نهایت فرمودند و با ارسال نامه‌ای تأکید کردند نباید اجرای احکام خدابه تأخیر بیفتد.»

وی افزود برای اجرای فرامین خمینی، در شورایعالی قضایی ستاد پیگیری نامه امام تشکیل شد و از این پس در محاکم در کوتاه‌ترین مدت حکم لازم صادر خواهد شد. موسوی اردبیلی از تریبون نماز جمعه از قضات، روسای دادگاههای انقلاب و دادستانهای دادگاهها و بازپرسان در سراسر کشور خواست که تصمیمات تازه را بلافاصله اجرا کنند.

سرما و کمبود سوخت در کشور

باهت شد مردم در محیط خانه لباس گرم به تن کنند. بویژه کسانی که به علت داشتن دستگاه گازسوز، کوپن نفت نداشتند به شدت گرفتار بودند و شب‌های سرد و تاریک داشتند در طول هفته مردم تهران با پیت‌های خالی نفت و کپسولهای گاز در سطح شهر سرگردان به دنبال نفت و گازوئیل و گاز بودند. هنوز هم بخشی از نیروگاههای مولد برق به علت کمبود سوخت، وارد مدار تولید نشده‌اند و به همین سبب واحدهای تولیدی صنعتی، بیمارستانها، ناوایی‌هایی که از این نیروگاهها تغذیه می‌شوند قادر به فعالیت و تولید نیستند.

هفته گذشته مردم تهران و بسیاری از شهرهای سردسیر کشور در هوای سرد چند درجه زیر صفر با کمبود شدید مواد سوختی مواجه بودند. در ورامین در ۳۰ شعبه نفت این شهر، حتی یک لیتر هم نفت وجود نداشت و زمان تحویل نفت کوپن‌ها اعلام نشده بود.

در تهران بر اثر برودت هوا و بارش برف سنگین توزیع نفت و گازوئیل و گاز متوقف شد و با خاموشی مکرر برق که هم چنان ادامه دارد، «موتورخانه شوفاژ ساختمانهایی که «شوفاژ» دارند از کار افتاد. طولانی شدن خاموشی‌ها

وثیقه مالی، شرط پذیرش بیماران در بیمارستانها

به دستور وزارت بهداشت و درمان کلیه بیمارستان‌هایی که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار دارند، مجاز به پذیرش بیماران غیرمتمکن نیستند.

در شرح وظایفی که از سوی مدیر سازمان تامین اجتماعی کشور و معاون درمان وزارت بهداشت و درمان به بیمارستانها ارسال شده تأکید گردید که بیمار غیربیمه‌ای و غیرمتمکن تحت هیچ عنوانی بستری نشود و مسئولان پذیرش این بیمارستانها باید هنگام بستری نمودن بیمار از استطاعت مالی وی اطمینان حاصل کنند تا موقع ترخیص بیمار از نظر تصفیه حساب و دریافت هزینه‌های بستری و درمان دچار اشکال نگردند. به همین منظور بیمارستانهای تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی مکلف شده‌اند که هنگام پذیرش بیمار مبلغ سنگینی به عنوان پیش پرداخت از بیمار یا بستگان وی دریافت کنند و سپس به معالجه وی بپردازند.

بر اساس گزارش روزنامه دولتی کیهان بیش از ۹۰ درصد بیمارستانهای مشمول بخشنامه وزارت بهداشت و درمان در مناطق محروم قرار دارند و اقلب مراجعین این بیمارستانها دچار فقر مالی هستند و قادر به تامین هزینه درمان و پیش پرداخت پذیرش نیستند.

وزیر امور خارجه فرانسه به ایران می‌رود

قرار است رولان دوما وزیر امور خارجه فرانسه تا دو هفته آینده برای دیدار رسمی با مقامات جمهوری اسلامی وارد تهران شود. برنامه سفر وزیر امور خارجه فرانسه در دیدار ولایتی با وی در پاریس تنظیم شده است. قرار است رولان دوما در تهران با هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی و ولایتی دیدار کند. روابط ایران و فرانسه، مذاکرات صلح میان ایران و عراق، مسائل منطقه و شرکت فرانسه در برنامه بازسازی جمهوری اسلامی به مثابه موضوع مذاکرات طرفین اعلام شده است. در آستانه دیدار وزیر امور خارجه فرانسه از تهران دو تحول اقتصادی میان پاریس و تهران صورت گرفت. به تصمیم دولت فرانسه تحریم خرید نفت ایران از سوی شرکتهای فرانسوی لغو شد و قرارداد ۱/۵ میلیارد دلاری مونتاژ اتومبیل پژو توسط شرکت ایران خودرو (ایران ناسیونال) منعقد گردید.

بعد از گنشروزی وزیر امور خارجه آلمان فدرال، رولان دوما دومین مقام بلندپایه اروپایی است که در ده سال اخیر از ایران دیدن می‌کنند. در دیدار گنشر از ایران سطح مبادلات تجاری و میزان تسهیلات اعتباری آلمان فدرال به ایران افزایش یافت.



اولین برف زمستانی در تهران

هيات جمهوری اسلامی در ایتالیا و لهستان

* نیروهای دمکراتیک در ایتالیا ملاقات با موسوی و همراهانش را بعنوان "دیدار با قاتلان" محکوم کردند

یک هیات بلندپایه جمهوری اسلامی به ریاست موسوی نخست وزیر، که در آن، چند وزیر و معاون وزیر، و نیز خلخالی جنایتکار به عنوان رئیس "کمیسیون خارجی" مجلس آخوندی شرکت داشتند، در هفته گذشته از ایتالیا و لهستان دیدار کرد. در این سفر، فرستادگان رژیم خمینی با مقامات این دو کشور، از جمله نخست وزیران ایتالیا و لهستان، دیدار و در باره گسترش مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مذاکره کردند. در گفتگوهای مقامات

جمهوری اسلامی با مقامات ایتالیایی، جمهوری اسلامی دعاوی طرفهای ایتالیایی در مورد خسارات ناشی از قطع پروژه های مختلف صنعتی را پذیرفت و قرار شد که از طرف ایران، ۶۰۰ میلیارد لیر (در حدود ۵۰۰ میلیون دلار) از این بابت، فرامت پرداخت شود. در مورد ادامه کار این پروژه ها، مقامات دو کشور به توافق رسیدند. این پروژه ها شامل واحدهای پتروشیمی، دو نیروگاه در اصفهان و چهار واحد فولاد مبارکه است. آیت اللهی وزیر معاون و فلزات جمهوری اسلامی

در بازگشت از ایتالیا اعلام کرد طرفهای ایتالیایی برای معاملات با ایران، "تسهیلات اعتباری ویژه ای" در مورد جمهوری اسلامی قائل شده اند. معنای این امر، گرفتن وام جمهوری اسلامی برای پروژه های صنعتی نامبرده است.

در لهستان نیز دو طرف به توافق هایی در زمینه پروژه های صنعتی و "مبادله دانشجو" رسیدند.

پذیرش هیات جمهوری اسلامی در ایتالیا، از سوی نیروهای دمکراتیک این کشور مورد اعتراض قرار گرفت. از جمله، جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایتالیا، انجام این سفر را در مغایرت با رای ایتالیا به قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی در ارتباط با نقض حقوق بشر، در سازمان ملل دانست. مسئول

روابط خارجی حزب سوسیالیست ایتالیا، ملاقات با نمایندگان جمهوری اسلامی را بعنوان "دیدار با قاتلان" محکوم کرد. برخی از مطبوعات ایتالیا با چاپ عکس های یک گور جمعی کشف شده در خاوران، به جنایات اخیر جمهوری اسلامی در زندانها پرداختند.

پاپ ژان پل دوم نیز با موسوی و همراهانش ملاقات کرد. همزمان با این ملاقات، در روز سه شنبه ۲۷ دی میدان "پتر مقدس" واتیکان شاهد تظاهرات جمعی از ایرانیان آزادیخواه مقیم ایتالیا بود که شدیداً به حضور موسوی نخست وزیر خمینی و جنایتکارانی نظیر خلخالی، اعتراض کردند. در این تظاهرات، پلیس ۵ تن از هموطنان ما را دستگیر کرد. مشروح گزارشها در این مورد را در شماره های آینده درج خواهیم کرد.

از رویدادهای ایران

ورود زنان به جزیره کیش ممنوع شد

از روز ۱۰ دی ماه، ورود زنان به جزایر ایرانی کیش ممنوع شده است. فرمانداری بندرلنگه اعلام کرده است که هدف از ممنوعیت ورود زنان به کیش، اجرای احکام "شرح" و "جلوگیری از برخورد های غیر شرعی" است. معاون فرمانداری بندرلنگه در تماسی با مطبوعات چاپ تهران ضمن اعلام تصمیم تازه جمهوری اسلامی در مورد زنان، اظهار داشت که دادوستد کالا با ارز در کیش ادامه دارد و هیچ رقم ممنوعیت ورود زنان به جزیره، "مردان می توانند با در دست داشتن شناسنامه همسر خود، جنس بخرند و دیگر نیازی نیست که همسرانشان را به جزیره کیش ببرند." در جزیره کیش کالاهای خارجی و ایرانی در قبال "ارز" به مشتریان فروخته می شود. و به همین علت بخشی از کالاهای تولیدی داخلی که مورد نیاز مردم است به جای عرضه در فروشگاه های شهرهای کشور، به بازار تجاری جزیره کیش فرستاده می شود.

تیم فوتبال ایران در بازیهای مقدماتی جام جهانی

روز چهارم اسفند ماه تیم ملی فوتبال ایران نخستین دیدار خود در چارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی سال ۱۹۹۰ ایتالیا را در مقابل تیم ملی تایلند در بانکوک برگزار خواهد کرد و بازی برگشت این دیدار در ایران خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری یونایتد پرس در جدول مسابقات فوتبال مقدماتی جام جهانی تیم ایران در گروه پنج آسیا در کنار تیم های ملی چین، تایلند، بنگلادش قرار دارد. دیدارهای متقابل این تیم ها از روز چهارم اسفند در بانکوک آغاز و روز هفتم تیر با بازی چین و تایلند خاتمه خواهد یافت.

با توجه به تصمیم اخیر فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) برگزاری مسابقات بین المللی فوتبال در ایران و عراق آزاد شده و بازی برگشت دیدارهای تیم ایران در ایران مجاز است. "فیفا" تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، برگزاری هر گونه مسابقات بین المللی فوتبال در این دو کشور را به علت شرایط جنگی ممنوع کرده بود. تا کنون تیم ایران فقط یکبار در سال ۱۹۷۸ به مسابقات جام جهانی راه یافته است.

از میان دیگر رویدادها

به گزارش برخی خبرگزاری ها روز چهارشنبه ۲۷ دی یک کشتی ایرانی در آبهای خلیج فارس حوالی امارات متحده با مین برخورد کرد و غرق شد. در جریان این حادثه یک تن از خدمه کشتی کشته و سه تن مفقود گردیدند. آسیب دیدگان کشتی به بیمارستان در دوبي انتقال یافتند. خبرگزاری رویتر اعلام کرده است که حادثه غرق کشتی ایرانی بر اثر وقوع طوفان در آبهای خلیج فارس بوده است.

* خمینی با صدور حکمی حجت الاسلام روحانی را بعنوان مسئول تحقیق دقیق و مستند تاریخ اسلامی برگزید. تاریخ نویس متعدد جماران موظف شده است مراحل مختلف تاریخ انقلاب اسلامی را با مراجعه به آژوندها و

بازاریانی که از سال ۴۱ همراه خمینی بودند، تحریر کند. به حجت اسلام روحانی سپرده شد که که "به روشنی ترسیم کند در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزات روحانیت، چه ظلم ها بر روحانیت پاکباز خسته رفت" و روحانیت چگونه در "جنگ نابرابر علم و خرافه، روشنفکری و تحجر گرایی پیروز شدند"

* شمشانی وزیر سپاه پاسداران روز شنبه اول بهمن همراه هیاتی وارد اسلام آباد شد. وی قرار است با مسئولان سیاسی و نظامی پاکستان ملاقات کند از برنامه دیدار مقام نظامی جمهوری اسلامی با "مجاهدین افغانی" مقیم پیشاور پاکستان گزارش نشده است.

* در جلسه روز چهارشنبه چهارده دی مجلس شورای اسلامی "طرح ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان بسیجی به دانشگاه ها" در شور اول تصویب شد. بر اساس این طرح ۴۱ در صد از ظرفیت کنکور دانشگاه ها به کسانی اختصاص داده می شود که حداقل شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در جبهه حضور داشته اند. تصویب طرح در مجلس در حالی صورت گرفته است که وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم مخالف آن بوده و در کمیسیون های بررسی طرح نقش مخرب چنین تصمیماتی در نظام آموزشی کشور و افت تحصیلی و کیفیت آموزشی را گوشزد کرده است.

علاوه بر سهمیه "رزمندگان" سایر نهادهای رژیم نیز سهمیه جداگانه ای دارند و برای جوانان غیر وابسته به کمیته ها و نهادهای چندگانه جمهوری اسلامی جای محدودی در کلاس دانشگاه باقی مانده است.

به مناسبت چهل و سومین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان

کردستان، آتشی خاموش ناشدنی است

بقیه از صفحه اول

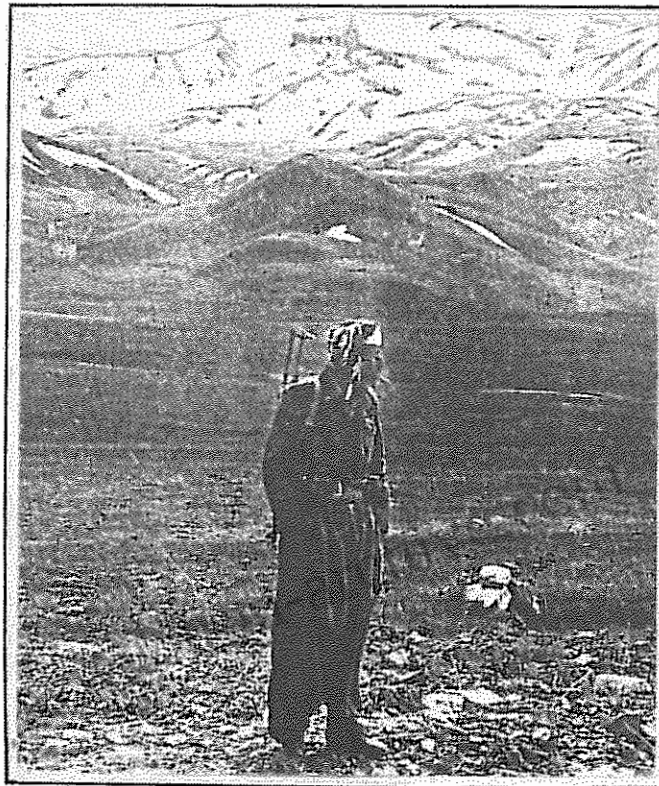
نظرات ضد کردی رژیم تازه تاسیس ترکیه به رهبری کمال مصطفی پاشا (موسوم به آتاترک) را نیز مورد توجه قرار دادند، قرارهای پیمان "سور" منعقد در سال ۱۹۲۰، را فسخ کرد.

مرزهای تصنعی جنبش های کردی را از هم جدا نداشت. "کردایتی" در هر دوره کانون ویژه ای برای خود یافت. اگر چه پاره های مختلف جنبش، برنامه های مختلفی در برابر خود نهادند، اما انتقال سنن و تجربیات و همپاریها هیچگاه قطع نشد. مهمترین افتخار و تجربه مشترک در میان بخش های مختلف جنبش خلق کرد، جنبش "۲" ریبه ندان " (دوم بهمن) و برقراری جمهوری خودمختار کردستان در مهاباد در سال ۱۳۲۴ است. شکست جمهوری خودمختار، به معنی پایان جنبش نبود. مبارزه تداوم و بویژه در کردستان عراق رشد سریعی پیدا کرد. در کردستان ایران جنبش در مبارزات سال ۱۳۴۶ برآمد یافت. در جریان انقلاب و پس از انقلاب مبارزه وارد مرحله تازه ای شد.

استمرار دیرینه جنبش خلق کرد، حاکی از ریشه دار بودن آن است. ریشه دار بودن این جنبش و پرتوانگنی مدام آن، آن را به نیرویی همواره قابل اتکا برای پیشروان خلق کرد و دیگر نیروهای انقلابی در کشورهایی که این جنبش در آن شعله ور است، تبدیل ساخته است. کردستان، آتشی خاموش ناشدنی است.

۲ ریبه ندان

جمهوری خودمختار کردستان که به جمهوری مهاباد نیز شهرت دارد، در شرایط مساعدی به لحاظ وضعیت جهانی و وضعیت منطقه سر برآورد. وزش نسیم صلح جهانی و شکست فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن، حضور ارتش سرخ شوروی در آذربایجان جنوبی و کردستان، ضعف دولت مرکزی و وجود مبارزات و قیام ها در دیگر نقاط ایران از جمله آذربایجان، کارایی حزب دمکرات در تشخیص لحظه و همه اینها بر بستر جنبشی ریشه دار



شمر بانی مردمی و سپاه پیشمرگه از آن جمله اند.

رژیم سلطنتی پس از سرکوب آذربایجان خودمختار به کمک امپریالیسم انگلیس و آمریکا به سرکوب جمهوری خودمختار کردستان پرداخت. جمهوری هنوز آنچنان قوام نیافته بود که با تغییر شرایط مساعد هنگام روی کار آمدن آن، بتواند موجودیت خود را حفظ کند. جمهوری شکست خورد اما حضور خود را در یادها، در خاطره هایی بس ارجمند و در تجربه ای که به میراث گذاشت، حفظ کرد. آنچه به و بویژه به خاطره این جمهوری، درخشش ویژه ای می بخشد، از خودگذشتگی و دلاوری انقلابیون دمکراتی است که در راس آن بودند: کسانی چون قاضی محمد، صدر قاضی، سیف قاضی و برادران فاروقی، قاضی محمد و جمعی از یاران او تا پای جان به آرمان خود وفادار ماندند.

واصل، از جمله موثرترین عوامل در استقرار جمهوری کردستان بودند.

اعلام جمهوری به توسط قاضی محمد، رهبر حزب دمکرات و رئیس جمهور دولت خودمختار، در روز دوم بهمن سال ۱۳۲۴، در میدان "چوارچرا" در شهر مهاباد صورت گرفت. جمهوری کردستان تنها یازده ماه عمر کرد. در طول این مدت مردم آن مناطقی که در محدوده جمهوری قرار داشتند، برای اولین بار حاکمیت خودی را احساس کردند. در طی این مدت زمان کم، جمهوری خدمات ارزنده ای انجام داد: تاسیس مدارس به زبان کردی، ایجاد مراکز فرهنگی، تئاتر خلقی، انتشار کتاب و روزنامه و نشریات مختلف به زبان کردی، تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی مردم در شهر و روستا، لغو سیورسات، واگذاری بخشی از زمین ها به دهقانان، تشکیل

تداوم جنبش

با سرکوب جمهوری خودمختار کردستان، جنبش از پا نیفتاد و بویژه در کردستان عراق حق و وسعت و استحکام خاصی یافت. در ایران، شعله جنبش میچگاه خاموشی نگرفت و بعضا در وجود کسانی چون ملا آواره، شریفزاده و معینی درخشش ویژه ای یافت. نیروهای امنیتی شاه در کردستان استقرار مترکمی داشتند و وحشی ترین فرماندهان نظامی، مامور به سرکوبگری در کردستان می شدند تا در این خطه منتهای سبعت خود ربه اثبات رسانند.

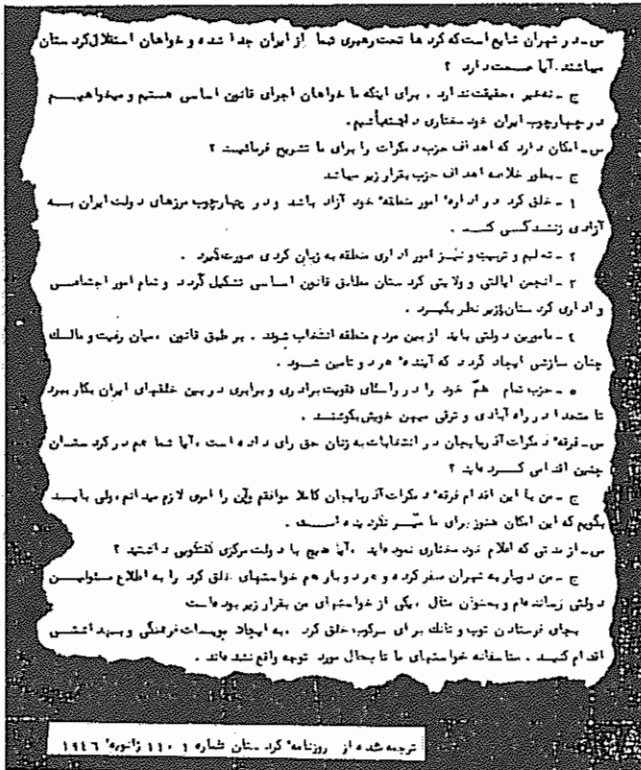
سرکوبگری در خدمت اعمال ستم ملی است و برای تداوم بخشیدن به این ستم، محرومیت توده های کرد مدام تشدید شد. به کردستان کمترین بودجه دولتی اختصاص می یافت. اگر جاده ای ساخته می شد اساسا برای تسهیل حمل و نقل های نظامی بود. رژیم شاه حتی اصلاحات ارضی شه فرموده را آنچنان که مقرر بود در کردستان پیاده نکرد. این به خاطر منفعتی بود که از قبل خانها، به عنوان یکی از ارکان حفظ سلطه خود، می برد. کردستان مدام عقب مانده ماند. روستاها تکیده و فرسوده و شهرها - خاصه شعاع پیرامون آنها - مظهر فلاکت و تنگدستی بودند. متأسفانه هنوز در زمینه بعد اجتماعی و اقتصادی ستم در کردستان، تحقیقات همه جانبه ای به عمل نیامده است تا همق و دامنه این ستم را بر ملا سازد.

جمهوری اسلامی

و کردستان

دور جدید مبارزه خلق کرد در ایران، از سال ۵۷ با اوچگیری مبارزه عمومی در سراسر کشور، آغاز گردیده و مدام همق و گسترش یافت. با پیروزی قیام ضد سلطنتی، و به تخت نشستن خمینی، سرکوب خلق کرد بلافاصله در دستور کار حکام تازه قرار گرفت. خونریزی

آماج های جمهوری خودمختار کردستان از زبان قاضی محمد



قاضی محمد در این مصاحبه - که به لحاظ بازتاب دادن سطح و خواسته های جنبش در آن هنگام یک سند تاریخی محسوب می شود - آماج های جمهوری خودمختار کردستان را تشریح کرده است .

کشور بسی ضعیف است . هنوز تشکل دموکراتیک جاندار و فعالی پا نگرفته است که بتواند مصلحتی را به همیاری و همکاری بابد کند . همین امر تلاش های فرهنگی و هنری را کم بار و کم دامنه ساخته و نیز باعث شده است همکاری دموکراتیک کردی دیگر کشورها در اروپا صورت نگیرد . با برخورد فعال و کنار گذاشتن تنگ نظری ها به راستی می توان با بهره گیری از زمینه های عینی و ذهنی مثبت و مساعد ، این ضعف های جدی را برطرف ساخت .

از فعالیت های هنری در خارج از کشور حمایت کنیم

بقیه از صفحه آخر

بسی نیکو خواهد بود اگر ما بتوانیم به یاری دوستان و رفقای اهل فن ، در نشریه یک صفحه هنری داشته و تازه های هنری ایران و جهان و دیگر گفتنی ها و شنیدنی های هنری و فرهنگی را در آن بازتاب دهیم . با مادر این زمینه همکاری کنید . □

متن بالا از بولتن خبری حزب دموکرات کردستان ایران در خارج از کشور (شماره ۲۲۳) برگرفته شده است و حاوی مصاحبه قاضی محمد با نمایندگان جراید تهران در ۲۵ دی سال ۱۳۴۴ است .

خمینی قرار دهیم و طبیعتا همواره باید در این افشاگری ها بار خودویژه مساله را که خصلتی منطقه ای دارد ، از نظر دور نداریم . در افشاگری ها باید بروی این مساله تاکید شود که آتش جنگ در ایران و عراق خاموش نشده و جنگ اکنون صورت جنگ دو رژیم علیه خلق کرد را یافته است . در پیشبرد این افشاگری ها رفقای کرد نقش مهمه ای دارند . متأسفانه علی رغم مصلحتی وسیع موجود بین مبارزین کرد از جریانهای سیاسی مختلف ، همکاری و همیاری آنها در خارج از

ضدیت با مبارزه خلق کرد توافق کامل دارند و اکنون علاوه صورت گزاینبری جنبش در کردستان را تحت فشار و سرکوب قرار داده اند .

مبارزه مسلحانه در کردستان ایران همچنان ادامه دارد ولی از دامنه آن به دلیل موانع عینی بسیار کاسته شده است . نیروهای پیشمرگ با جانفشانی و تلاش سترگی مبارزه را دنبال می کنند . مردم کرد ، این تلاش را بسی ارج می نهند و منبع پایدار نیروبخشی بدان هستند .

مبارزه سیاسی در شهرها نقش ویژه ای دارد و چشم انداز پرامیدی در برابر خود نهاده است . متأسفانه وجود جو خصومت بین دو نیروی حزب دموکرات و کومله و درگیری های خونی بین آنها و همچنین بروز انشعاب در حزب دموکرات کردستان ایران - که بی زمینه و در عین حال اجتناب ناپذیر نبود - تأثیری منفی بر روی ابعاد مسلحانه و سیاسی مبارزه و توانمندی آن به جا گذاشته است . فقدان وحدت و همیاری در میان مجموعه نیروهای سیاسی انقلابی و ترقیخواه در ایران ، عاملی است که در صورت برطرف شدن آن - و در حال حاضر اساسا در صورت رفع آن - جنبش انقلابی در کردستان را در مواجهه با مشکلات موجود بسی توانمندتر خواهد ساخت و بدان فراز تازه ای خواهد بخشید .

وظیفه نیروها

در خارج از کشور

مساله کردستان همچون مساله فلسطین یک مساله عمده در منطقه خاورمیانه است و اگر چه اکثر نیروهای فعال کرد در کشورهای ایران ، عراق و ترکیه ، آماج برنامه های خود را حل این مساله از طریق کسب خودمختاری در چارچوب مرزهای این کشورها قرار داده اند ، اما بار اصلی موضوع منطقه ای و بین المللی است . این موضوع باید در افکار عمومی بین المللی جای شایسته ای بیابد . این وظیفه همه نیروهای فعال در خارج از کشور است که در این جهت تلاش ورزند و هیچ امکانی را برای مطرح کردن این موضوع از دست ندهند . بر ماست که در خارج از کشور افشای جنایاتی را که علیه خلق کرد روا می شود ، همواره یک رکن اصلی افشاگری علیه جنایات

در نوروز سال ۵۸ در سندج ، جنگ نرده ، پاوه و سرانجام جنگ سراسری علیه خلق کرد در ۲۸ مرداد سال ۵۸ - که با پیام خمینی مبنی بر جنگ با کفار شعله ور شد - همه و همه نشانگر ماهیت جنایتکارانه رژیم فقا و کینه این رژیم به خلق کرد ، دموکراتیسم این خلق و دموکراتیسم بطور عمومی بود .

از مجموعه تجربیاتی که با روی کار آمدن رژیم های مختلف در عراق ، ایران و ترکیه حاصل آمده است ، می توان به قاعده های دست یافت که خاصه برای ما و برای مردم عراق بسی ملموس است : یک عیار اصلی سنجش ماهیت هر رژیمی ، در ایران یا عراق نحوه برخورد آن با کردستان و مساله مردم کرد است . دموکراتیسم سازمان های سیاسی مختلف را نیز می توان با نحوه برخورد آنها با موضوع حق تعیین سرنوشت در کردستان ، محک زد . به کرات ثابت شده است که هرگاه یک نیروی سیاسی از دموکراتیسم فاصله می گیرد ، نحوه برخورد خود را با مبارزات مردم کردستان تغییر می دهد . تجربه تاسف بار و سرشار از انتقاد سازمان ما در سالهای ۵۹ ، ۶۰ و ۶۱ خود یکی از مظاهر صحت این قاعده است .

جمهوری اسلامی در کردستان از هیچ جنایتی فروگذار نکرد . شهرها و روستاها را بی پای بمباران کرده و به توپ و خمپاره بستند . فرزندان خلق کرد را در درگیری های مختلف کشتند ، در شهرکوه به اسارت گرفتند و دسته دسته به جوخه اعدام سپردند . کردستان را محاصره اقتصادی کردند . محرومیت توده های کرد را صدچندان کردند . کارمندان و معلمان کرد را حتی اگر اندکی مصلحتی خود را با مبارزه بروز داده بودند ، اخراج و نیز تبعید کردند . در هر گوشه کردستان پادگان و پایگاه و قرارگاه نظامی برپا ساختند . در شهرها و روستاها حکومت نظامی برقرار کردند و برای سرکوب جنبش مسلحانه به تاکتیک جنایتکارانه "زمین سوخته" توسل جستند .

وضعیت کنونی جنبش

اکنون جنبش خلق کرد در عراق و ایران در موقعیت بسی حساسی قرار گرفته است . دو رژیم جنایتکار خمینی و صدام حسین در

گل چه تقصیری دارد؟ ..

☆ ☆ ☆

نقش آوازقناری‌هایی مانده‌ست
که شرربارترین زمزمه در جان خیابان‌ها خواهد ریخت.

رضا مقصدی سال ۵۱ =

به نوشته کیهان، باغ وحش تهران در حال از بین رفتن است.

بنا به نوشته لوپون، این خشونت در صحنه کوچک تلویزیون در چندسال گذشته و به همراه خصوصی شدن کانالهای تلویزیونی فرانسه که به شکار بیننده بیشتر می‌رود، ظاهر شده است.

وقتی باغ وحش هم مظهر فلاکت می شود

کارکنان باغ وحش می‌گویند
حیوانات در کنج قفس از فرط
گرسنگی چرت می‌زنند، خرس
باغ وحش فقط پوست و استخوانش
مانده، مار بوآی باغ وحش تهران،

تیرهایمی که در این صفحه
مشاهده می‌کنید، از گیاهان ۲۱ آذر
ماه است. حیوانات باغ وحش
تهران هم طعم فلاکت اقتصادی در
حمایه اسلامی را چشیده‌اند.

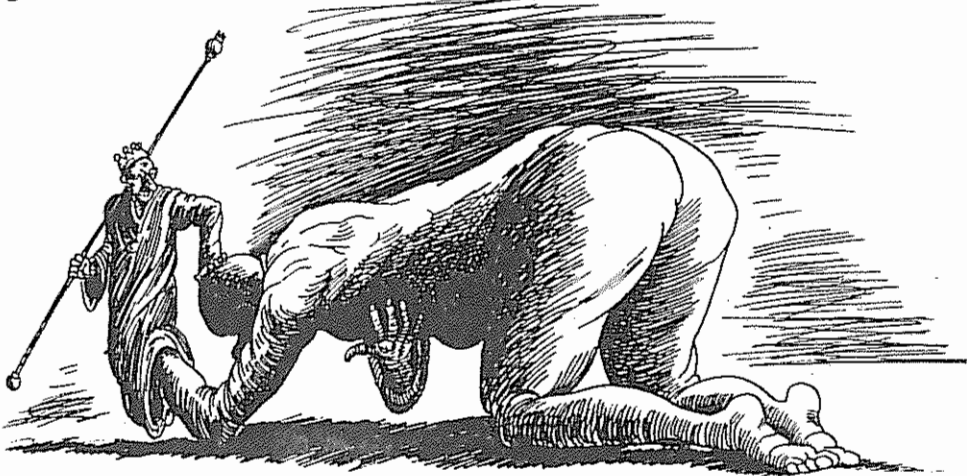
اخيرا يك ماجرای فساد مالی، دولت یونان را تکان داد و به بحران سیاسی حادی انجامید. گئورگیوس کوسکوتاس، سرمایه‌دار بزرگ ۳۵ ساله، که در سال ۱۹۷۹ از ایالات متحده به یونان بازگشت، در عرض چند سال توانست ثروت هنگفتی بهم بزند. او بانک کرت، یکی از بزرگ‌ترین بانکهای یونان، تیم فوتبال المپیا، هتل مجلل کینگ جرج و نیز تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات یونان را خرید. در سال ۱۹۸۶ یک نشریه چاپ نوشت که کوسکوتاس با مافیا رابطه دارد. کوسکوتاس، این نشریه را به دادگاه کشاند و موفق شد.

در ماههای اخیر، هر چه بیشتر روشن شد که کوسکوتاس، در کلاهبرداریهای بزرگ شرکت داشته و به مقامات مالی رتبه تا سطح وزرا، رشوه می‌داده است. او توانست هلیکوپتر ممنوع‌الخروج بودن، یونان را ترک کند و از تعقیب مصون ماند. وزیر کشور یونان بر اثر فرار کوسکوتاس ناچار به استعفا شد.

هنوز معلوم نیست که ماجرایی
کوسکوتاس تا چه حد دامن خود
آندره آسپاندرئو نخست وزیر
سوسیال دمکرات یونان را خواهد
گرفت. آنچه مسلم است، این است
که این ماجرا، بزرگترین رسوایی
از هنگام فروپاشی دیکتاتوری
نظامی در یونان است.

”خدايانگان را بنديگان خدايانگان کردند.“

هنگامی



طرح از هفته‌نامه شوروی عصر جدید (شماره ۴۸)

اخبار كنوز

ایوانات گرسنه باغ وحش
در انتظار مرگ تدریجی

مار گرسنه باغ و چش
تیران مار هم قفس
خه در ا بلعد

[illegible]

۵۰ سالگی کامپیوتر

کامپیوتر، امروز برای همه مردم نامی آشناست. این ابزار، که انقلاب علمی-فنی در همه عرصه‌ها با نام آن گره خورده است، اکنون ۵۰ سالگی خود را جشن می‌گیرد. نخستین ماشین‌های محاسبه الکتریکی، با کلیدهای الکترومغناطیسی (رله‌ها) کار می‌کردند. از همان زمان، نظام شمارش دوگانه (نظامی که اعداد به جای ارقام صفر تا ۹، تنها از صفر و یک تشکیل می‌شوند) مبنای کار این ماشین‌ها قرار گرفت. علت این امر، این بود و هست که به لحاظ فیزیکی، تمایز میان دو موقعیت (جریان الکتریکی وجود دارد یا ندارد؟) کاملاً امکان‌پذیر است، اما مشکل بتوان مدارهایی را ساخت که مثلاً ۱۰ موقعیت مختلف (از صفر تا ۹) را تشخیص دهند.

بزودی سازندگان ماشین‌های حسابگر پی بردند که کاربرد رله‌ها، امکانات و سرعت این ماشین‌ها را بسیار محدود می‌کند. ماشین حسابی که با رله کار می‌کند، حداکثر می‌تواند ۱۰۰ عملیات ریاضی در دقیقه انجام دهد. اما با این حال، این ماشین‌ها تا اواخر دهه ۵۰ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. سریع‌ترین کامپیوتر امروزی، در ۶ دسامبر ۱۹۸۸ توسط شرکت ژاپنی فوجی تسو به نمایش درآمد و از سال ۱۹۹۰ وارد بازار خواهد شد. این کامپیوتر قادر به انجام چهار میلیارد مورد عملیات روی اعداد حقیقی (اعداد کسردار) است. امروز به کامپیوترهایی که در ثانیه بیش از

۱۰۰ میلیون مورد عملیات از این نوع انجام دهند، "سوپر کامپیوتر" می‌گویند. با نخستین کامپیوترهای الکترومغناطیسی، انجام این حجم از عملیات، بیش از ۱۰ سال طول می‌کشید. در حالی که در "نسل اول" کامپیوترهای الکتریکی که در دهه چهل مورد استفاده قرار گرفت، مبنای کار، "لامپ" (لامپ نه به معنای ابزار روشنائی، بلکه به معنای وسیله‌ای که در رادیوها و تلویزیون‌های قدیمی به کار می‌رفت) بود، در "نسل دوم" که از ۱۹۴۷ به بعد گسترش یافت، ترانزیستور به کار رفت. ترانزیستورها حجم ماشین‌های حسابگر را بسیار کوچکتر و سرعت آن را چند برابر کردند. اواخر دهه ۶۰، "مدارهای ادغام شده" (موسوم به آی-سی) به بازار آمدند. آی-سی، مجموعه‌ای از دهها و صدها ترانزیستور بود که در حجمی کوچک ادغام شده بودند. اختراع "آی-سی" به ایجاد "نسل سوم" کامپیوترها انجامید.

از اواخر دهه ۷۰، سخن از "نسل چهارم" می‌رود که مشخصه آن، استفاده از "چیپ" هاست. یک "چیپ" جسمی کوچک است که روی آن مدار با هزاران ترانزیستور، تحقق یافته است. هم‌اکنون انتظار می‌رود که در دهه ۹۰، جهش بزرگ دیگری برای سریع‌تر و کوچک‌تر کردن کامپیوترها و ایجاد "نسل پنجم" انجام شود.

زندان اهواز

یکی از اعدام‌های دسته‌جمعی در اهواز در شب ۸ مرداد انجام شد. پیش از آن در روز ۷ مرداد، شخصی به نام "حبیب" از مسئولان دادستانی همراه با

از عمق فاجعه می‌گویم

بقیه از صفحه ۳

را وادار می‌کنند در ظرف‌های آب سرد به عنوان "آب توبه" استحمام کنند.

طی ماه‌های مهر و آبان، در حدود ۲۰۰ نفر از زندانیان سیاسی که دوره محکومیتشان به پایان رسیده و در انتظار دریافت حکم آزادی بوده‌اند، به زندان گوهردشت منتقل شدند. سپس در ماه آبان، این تعداد را در سالتی جمع می‌کنند و از یک یک آنها

وحشت خمینی از...

بقیه از صفحه اول

کمبودها بر طرف شود. هم‌زمانی که در کارخانه‌های وابسته به صنایع سنگین و نفت و گاز و معادن و نیرو و پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری و سایر مراکز کار می‌کنند، خدا را در نظر بگیرند و گوش به تبلیغات دشمنان ندهند... امروز پدر پیر شما خمینی از تمامی شما کارگران و صنعتگران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار این قدرت‌ها و مشکلات پس از جنگ یکی پس از دیگری رخ می‌نماید... مردم عزیز زیر فشار چرخهای زندگی و اقتصادی، همانگونه که تا به حال برای خدا و دین او مقاومت کرده‌اند، بعد از این نیز با تمام توان استقامت می‌کنند و الا همه زحمات این سالهای پردرد و اضطراب و افتخار از بین خواهد رفت... هشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی است و مردم تصور نکنند عوامل موذی... دست از شیطننت برداشته‌اند. در هر جا و در هر متوله‌ای احتمال حضور و کارشکنی آنان هست باید با دقت مراقب بود که نکند دستی در کار باشد که تبلیغ کند جنگ تمام‌شده و وضع کشور فرق نکرد."

نفس انتشار این پیام از سوی خمینی خطاب به کارگران و مضمون آن نشان دهنده وحشت گفتار پیر از مبارزات کارگری است. خمینی در این نامه از تحمل سختی برای دستیابی به استقلال دم می‌زند و یکبار دیگر نشان می‌دهد که مترجمین چه سان

عده‌ای دیگر به بند دختران هجوم بردند و آنها را با چوب شدیداً مضروب کردند.

سپس، عصر ۸ مرداد کلیه زندانیان را در مسجد زندان جمع کرده و از این میان عده‌ای را به بند می‌بردند و همان شب اعدام می‌کنند. روش اتخاذ شده به این ترتیب بوده است که ابتدا مردان را به خارج از سلول‌ها فرامی‌خوانند و آنها را به طرف حیاط زندان هدایت می‌کنند. در حیاط سه تن از افراد دادستانی به نام‌های حبیب، رضا و شفیعی این عده را زیر مشت و لگد می‌گیرند، بعد، زنان را نیز به حیاط

ماهیت ضد مردمی خود را در پرس اینگونه یاوه‌سرایی‌ها پنهان می‌کنند.

وحشت خمینی از تشدید مبارزات کارگری و مبارزات مطالباتی توده‌ای بسی جدی است. دوره امید بستن موقت مردم به ایجاد گشایشی در شرایط پس از جنگ به سر می‌آید و اساساً به سرآمده است و همه توده‌های مردم و در کانون آنها کارگران خاصه در کارخانه‌های کلیدی و بزرگ، مبارزات مطالباتی خود را گسترش می‌بخشند.

مبارزات مطالباتی با کم‌کاری همراه است. در صنایع نفت و نیرو، این امر بسیار محسوس است، اما کمبود نفت و قطع مداوم برق ربط مستقیمی به این مسئله ندارد. خمینی به شکل ظریفی در نامه خود کوشیده است کمبود نفت و قطع برق را که در هفته‌های اخیر خاصه در تهران ناراضی‌تشی شدیدی را برانگیخته است - به گردن کارگران بیندازد.

مبارزات مطالباتی در حال گسترش است. همه سران رژیم در ماه‌ها و هفته‌های اخیر هلم مبارزه با "مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی" را برافراشته‌اند، تا با این حیل رسوا به جنگ مبارزات مطالباتی مردم بروند. درماندگی رژیم تا حدی است که دیگر حتی به وعده دادن هم نمی‌تواند رو بیاورد. خودشان پی‌پی‌به و خامت و وضعیتشان برده‌اند و هراس از رشد جنبش مطالباتی در چهاران نیز وحشت همیتی را برانگیخته است. یک جنبه مهم این وحشت، پی‌بردن به این نکته است که وسیع‌ترین سرکوب‌ها و ایجاد جو هراس به شکل قتل عام زندانیان سیاسی دیگر به هیچ رو قادر به مقابله با جنبش‌رشدیابنده نیست.

میریزند، هردو گروه را تیرباران می‌کنند و اجساد را در کیسه‌های نایلونی بزرگ میریزند. یک کمپرسی این اجساد را در حالیکه عده‌ای هنوز نیمه‌جان بودند به بیابانهای پشت گورستان اهواز منتقل می‌کند. در آن جا، تمامی جنازه‌ها را در گودال بزرگی که توسط بولدوزر ایجاد شده بود، میریزند و چند روز بعد روی آن را با اسفالت می‌پوشانند.

اکثر این زندانیان طی سالهای ۶۰ الی ۶۳ دستگیر شده بودند و در حال گذران دوره محکومیتشان بودند.

شرکت هیأت نمایندگی سازمان در کنگره حزب کمونیست آلمان

در مبارزه برای صلح و دموکراسی ایراد کرد و به پرسش‌های حاضران در رابطه با اوضاع ایران پاسخ گفت. وی در این سخنان ضمن تشریح مبارزات سازمان علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بطور مشروح به موج اخیر اعدام‌ها در زندانهای جمهوری اسلامی پرداخت و خواهان محکومیت گسترده‌تر جمهوری اسلامی از سوی افکار عمومی جهان گردید. برای آشنایی با برخی از جوانب مباحثه درونی حزب کمونیست آلمان، برای این شماره، ترجمه مقاله‌ای از ویلی گرنز، عضو رهبری این حزب را برگزیده‌ایم که تحت عنوان "کمونیستها و اصلاحات" در نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱۲ سال ۱۹۸۸ به چاپ رسیده است.

جنوبی، ترکیه، شیلی و اسپانیا، جبهه فارابو نندو مارتی السالوادور، جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، ضمن تشریح جنایات اخیر رژیم خمینی علیه زندانیان سیاسی ایران، خواستار همبستگی این احزاب با مبارزه بر علیه دژخیمان حاکم بر ایران شد. نمایندگان احزاب نامبرده، جنایات رژیم را محکوم و با زندانیان سیاسی ایران ابراز همبستگی کردند. در حاشیه کنگره، جلسات سخنرانی با شرکت هیأت‌های نمایندگی خارجی ترتیب یافت. در یکی از این جلسات تحت عنوان "مبارزه برای صلح و خلع سلاح و مبارزه در راه استقلال"، مسئول هیأت نمایندگی سازمان سخنانی تحت عنوان "کمونیستهای ایران

ساختار اجتماعی کشورهای سرمایه‌داری و نتایج آن برای استراتژی و تاکتیک کمونیستها، نوسازی در اتحاد شوروی و مسائل کشورهای سوسیالیستی اروپا، مبارزه برای حفظ محیط زیست و جایگاه آن در استراتژی و تاکتیک و در یک کلام، چگونگی تحقق "نواندیشی" درخ.ک.آ بود. کنگره پس از سه روز بحث، در مورد ترکیب رهبری جدید تصمیم گرفت. اما ادامه بحث درباره استراتژی و تاکتیک حزب به جلسات آتی کنگره در ماه فوریه موکول شد. یک هیأت نمایندگی از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کنگره حزب کمونیست آلمان شرکت داشت. این هیأت در دیدار با نمایندگان احزاب کمونیست ویتنام، آنزلیقای

همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، اخیراً نهمین کنگره حزب کمونیست آلمان (فدرال) در فرانکفورت برگزار شد. دو موضوع اصلی بحث در این کنگره، سند ارائه شده از سوی هیأت رهبری (کمیته مرکزی) تحت عنوان "آلمان فدرال در سال ۲۰۰۰" و ترکیب جدید رهبری حزب بود. در آستانه این کنگره، حزب کمونیست آلمان چندین ماه بحث درونی گسترده را پشت سر گذاشت. روزنامه ارگان حزب، بطور منظم صفحاتی را به درج مقالات حاوی نظرهای ابراز شده از سوی اعضای حزب، اختصاص داد. مباحث، طیف گسترده‌ای از موضوع‌ها را در برمی‌گرفت و از جمله شامل رابطه مبارزه برای دموکراسی و مبارزه برای سوسیالیسم، دگرگونی‌های ناشی از انقلاب علمی - فنی در

کمونیستها و اصلاحات

نوشته: ویلی گرنز، عضو هیأت رئیس و دبیر خانه هیأت رهبری حزب کمونیست آلمان

چشمگیری در شرایط ادامه موجودیت بشر ایجاد شده است. این دگرگونی در تشدید مسائل جهانی که امروز در برابری قرار داریم، بازتاب می‌یابد. هیچ نسل پیشین، در برابر چنین مسائل پیچیده‌ای مانند خطر نابودی بشریت در جنگی با سلاحهای نابودی جمعی مدرن امروزین، خطر نابودی مبنای طبیعی زندگی ما از طریق ادامه تشدید بحران محیط زیست و خطراتی که از تشدید مسائل جهان سوم ناشی می‌شود، قرار نداشته است.

در سوسیالیسم واقعه موجود، روندهای همیق دگرگونی جریان دارد. هدف این تحولات، موقعیت کیفیتا نوینی از جامعه سوسیالیستی است. این تحول، آشکارترین بازتاب را در نوسازی اتحاد شوروی داشت. اهمیت این نوسازی بسیار فراتر از اتحاد شوروی است. نوسازی، شرایط رونق انقلابی جهان را در مجموع تحت تاثیر اساسی قرار خواهد داد.

دوره امروزین تحول، مستلزم بازاندیشی، نواندیشی و پاسخ‌های کیفیتا نوین به پرسش‌های کیفیتا نوین است. از جمله، باید درباره دیالکتیک رفرم و انقلاب در زمان مانیز اندیشید.

افزایش اهمیت و محتوای جدید اصلاحات

مبارزه برای اصلاحات دمکراتیک و اجتماعی

دموکراسی، مبارزه همیق روزمره برای رفرم‌های اجتماعی، برای بهبود وضع مردم زحمتکش در چارچوب وضع موجود، برای تعادهای دمکراتیک، نه هدف نهایی، بلکه تنها راه برای پیشبرد مبارزه طبقاتی پروولتری و تدارک هدف نهایی یعنی کسب قدرت سیاسی و لغو نظام مزدگیری است. برای سو سیال دموکراسی، میان رفرم اجتماعی و انقلاب اجتماعی، پیوندی گسست ناپذیر وجود دارد که به موجب آن، مبارزه برای رفرم اجتماعی ابزار، اما تحول ریشه‌ای اجتماعی هدف است. اختلاف در مورد رابطه میان رفرم و انقلاب، به مبنای مرزبندی میان جنبش کارگری رفرمیستی و انقلابی تبدیل شد.

دوره کنونی تحول

امروز ما باز در دوره‌ای از تحولات همیق اجتماعی زندگی می‌کنیم. این تحولات به تک تک کشورها و به جهان به مثابه کل، مربوط می‌شوند. پایه مادی این تحولات، روندهای انقلاب همیق غنی است. این روندها به تحولات همیق در نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، در ساختار طبقاتی و اجتماعی، در شرایط کار و زندگی مردم زحمتکش، در شرایط مبارزه جنبش کارگری سندیکایی و سیاسی منجر می‌شود. در رابطه با انقلاب همیق غنی، دگرگونی

بحث در باره رابطه رفرم و انقلاب، در تمام طول تاریخ جنبش کارگری ادامه داشته است. مارکسیستها در این بحث همواره در دو جبهه مبارزه کرده و می‌کنند: علیه رفرمیسم اپورتونیستی که به اصلاحات بسنده می‌کند یا انقلاب را در رفرم محال می‌کند، و علیه انقلابی‌گری چپ‌روانه، که از اساس منکر اهمیت اصلاحات است و میان رفرم و انقلاب دیوارهای غیر قابل عبور می‌سازد.

مسئله رابطه رفرم و انقلاب، در موقعیت‌های تحول اجتماعی که بیش از زمانهای دیگر پرسش‌هایی در مورد ادامه راه تکامل مطرح می‌کنند، با حدت ویژه‌ای در دستور قرار می‌گیرد. بنابراین تصادفی نیست که مجادله شدید میان روزالوگزامبورگ و ادوارد برنشتاین در مورد این مسئله، بر زمینه گذار از سرمایه‌داری رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری، که در آستانه و آغاز قرن جریان داشت، در گرفت. در این بحث، روزالوگزامبورگ در مقابل موضع رفرمیستی برنشتاین که می‌گفت "هدف نهایی، هر چه باشد، برای من مهم نیست، جنبش همه چیز است"، موضع مارکسیستی سوسیال دموکراسی انقلابی آن زمان در باره رابطه رفرم و انقلاب را قرار می‌داد. روزالوگزامبورگ در نوشته خود بنام "رفرم اجتماعی یا انقلاب" که در ۱۸۹۸ منتشر شد نوشت: "برای سوسیال

که در استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی کارگری، پیوسته جای مهمی به خود اختصاص داده است، تحت شرایط امروز اهمیت باز هم بیشتر و محتوای کیفیتا نوینی می‌یابد. این امر بدین علت است که امروز ما کمونیستها بیش از گذشته واقفیم که گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم هنوز به یک دوره تاریخی طولانی‌تری نیاز دارد. سرمایه‌داری، خود را با ثبات و توانعطف‌پذیرتر از آن نشان داده است که ما در گذشته گمان می‌کردیم. در سرمایه‌داری تحولات مهمی در ساختار اجتماعی رخ داده است که بر کار جنبش کمونیستی تأثیر می‌گذارد. سوسیالیسم به دلیل شرایط عینی و نیز خطاها و کاستی‌های ذهنی، که گاه به انحرافات سیاسی انجامیده‌اند، برای اکثریت طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، هنوز به هیچ‌وجه الگرناتیو مطلوبی در برابر سرمایه‌داری به شمار نمی‌آید. این عوامل و برخی عوامل دیگر، از جمله خطاها و نواقص کار احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه‌داری، باعث نفوذ توده‌ای ناکافی این احزاب و عقب ماندگی زیاد عامل ذهنی در مبارزه برای تحول همیق سوسیالیستی شده است. این امر بطور ویژه برای جمهوری فدرال آلمان صادق است.

اما اگر قرار است که برای دوره‌ای طولانی‌تر خود را آماده فعالیت در شرایط سرمایه‌داری کنیم، اگر چنین است که شرایط مبارزه پیروزمند برای نشان دادن سوسیالیسم به جای سرمایه‌داری هنوز فراهم نیست، پس درست و ضروری است که سیاستی برای تحولات در راه سوسیالیسم، سیاستی برای تدارک مبارزه برای سوسیالیسم تدوین کنیم. ح. ک. آ. در برنامه خود، این وظیفه را با طرخی برای دموکراسی ضد انحصاری و پیش از آن، استراتژی مبارزه برای چرخش به سوی پیشرفت دموکراتیک و اجتماعی، در مقابل خود قرار داده است. هدف این استراتژی، محدود کردن قدرت مطلقه سرمایه بزرگ، بهبود وضع مردم زحمتکش و گسترش حقوق و امکانات فعالیت آنها و مطمئن تر کردن صلح از طریق کمک واقعی به خلع سلاح، در چارچوب سرمایه‌داری است. چرخش به سمت ترقی دموکراتیک و اجتماعی، باید تناسب قوا را به سود طبقه کارگر و همه نیروهای دموکراتیک تغییر دهد و زمینه را برای تحولات همیق تر اجتماعی، آماده کند.

امروز و در آینده قابل پیش بینی، هدف مبارزه، دفاع از دستاوردهای جنبش کارگری و دموکراتیک که در سالهای پس از جنگ به دست آمده است، در برابر نیروهای راست، متوقف کردن چرخش به راست و برداشتن گامهای نخست به جلو، به سمت تحقق چرخش به سوی پیشرفت دموکراتیک و اجتماعی، بر زمینه دفاع از دستاوردهاست. امروز در اساس سخن بر سر نشان دادن گرایش متمایل به صلح و اصلاحات در سرمایه‌داری انحصاری دولتی، به جای گرایش متمایل به رویارویی و واپس‌گرایی و از این طریق گسترش میدان عمل برای سیاستی ترقیخواهانه است. محتوای سیاست تحولات، نمی‌تواند چیزی باشد جز اصلاحات بر

چه بیشتر دموکراتیک، اجتماعی و اکولوژیک. افزایش اهمیت مبارزه برای اصلاحات، ناشی از تحولات در سرمایه‌داری امروزی است که به انقلاب علمی-فنی مربوطند. روند تحولات اقتصادی و اجتماعی، بطور فزاینده‌ای به مکانیزم هدایت دولتی-انحصاری در چارچوب ملی و نیز بین‌المللی مربوط است. بدین ترتیب، تأثیرگذاری بر این مکانیزم به سود مردم زحمتکش، اهمیت هر چه بیشتری می‌یابد. اینکه کدام گرایش سرمایه‌داری انحصاری دولتی، گرایش بیشتر ارتجاعی یا گرایش آماده برای اصلاحات دموکراتیک، دست بالا را بگیرد، به میزان زیادی به تناسب قوا، به مبارزه زحمتکشان بستگی دارد. انقلاب علمی-فنی، در زمینه آگاهی و مسئولیت، ضروریات عالی‌تری در برابر زحمتکشان قرار می‌دهد. این امر باعث محسوس‌تر شدن نیاز به حق دموکراتیک مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در باره روندهای علوم، فنون و تولید و نیز در باره کاربست نتایج آن می‌شود. نیازهای جدید، در عرصه آموزش و آموزش عالی، حفظ محیط‌زیست طبیعی، بهداشت، پر محتواتر کردن اوقات فراغت، برابر حقوقی زن و مرد، گسترش امکانات رشد فردی و سایر عرصه‌ها نیز ایجاد شده به زمینه‌هایی برای سیاست‌های الگرناتیو اصلاحات تبدیل می‌گردد. این زمینه‌های جدید، برای طبقه کارگر، اما بطور ویژه‌ای برای گروه‌هایی از اقشار میانی مزدبگیر و روشنفکران که به طبقه کارگر نزدیک می‌شوند، مداخل‌های نوینی برای تدارک مبارزه برای ترقی اجتماعی فراهم می‌کند. جنبش کارگری سیاسی و سندیکایی وظیفه دارد توجه بیشتری به این عرصه‌ها مبذول دارد.

ضروریات ناشی از مسائل جهانی مبتلا به امروزی‌ن نیز بر اهمیت مبارزه برای اصلاحات می‌افزاید. این مسائل در برخی عرصه‌ها چنان حدت یافته‌اند که حل آنها نمی‌تواند به هیچ‌وجه موکول به محو سرمایه‌داری شود. این امر در مورد مسائلی مانند ایجاد یک نظام مطمئن صلح، دفع خطر فاجعه اکولوژیک، حفظ کشورهای رشدیابنده از فروپاشی کامل اقتصادی، حل مسائل مربوط به تامین انرژی برای بشریت و غیره صادق است. این مسائل باید امروز و فردا در همین سرمایه‌داری، در جهانی که به سرمایه‌داری و سوسیالیسم تقسیم شده است، حل شوند یا در مسیر حل شدن قرار گیرند. در اینجا نیز، هدف اصلاحات است، اصلاحات در چارچوب تک‌تک کشورها و اصلاح اساسی مناسبات بین‌المللی.

اما سخن نه تنها بر سر افزایش اهمیت مبارزه برای اصلاحات در مقایسه با گذشته، بلکه در همین حال بر سر محتوای جدید اصلاحات است. بر وظایف معمول اصلاحات مانند به کرسی نشاندن ضروریات مشخص برای بهبود وضع زندگی و گسترش حقوق زحمتکشان، وظایف کیفیتا نوینی افزوده می‌شود که باید حل شوند یا حل آنها آغاز شود.

سخن بر سر اصلاحات اکولوژیک است، بر سر این است که در همین سرمایه‌داری، آنچنان دگرگونی در نظام نیروهای مولده تحقق یابد که نابودی منابع طبیعی پایان یابد و حفظ مبنای

طبیعی زندگی، برای نسل‌های آتی نیز تضمین شود. در زمینه تحقق گرایش صلح در آلمان فدرال سرمایه‌داری، وظایف کاملاً نوینی مطرح‌اند. وظیفه حل مسائل جهانی از طریق همکاری بین‌المللی فراتر از مرزهای نظام‌های اجتماعی نیز مجموعه‌ای از اصلاحات با کیفیت نوین است. و بالاخره، سخن بر سر گسترش مشارکت واقعی طبقه کارگر و اتحادیه‌های آن در کارخانه‌ها، تأثیرگذاری دموکراتیک آن بر رشد علوم و فنون، اجتماعی کردن شاخه‌ها و واحدهای کلیدی اقتصاد و دموکراتیزه کردن در سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی، محدود کردن قدرت سرمایه بزرگ و گسترش نفوذ مردم است. لنین می‌نویسد: "مفهوم رفرم البته در مقابل مفهوم انقلاب قرار دارد؛ بی‌توجهی به این تضاد، بی‌توجهی به آن مرزی که این دو مفهوم را جدا می‌کند، پیوسته به جدی‌ترین خطاها در همه نگرش‌های تاریخی می‌انجامد. اما این تضاد، مطلق نیست، این مرز، نه یک مرز مرده، بلکه مرزی زنده و متحرک است که باید در هر مورد مشخص و جداگانه، بتوان آن را تعیین کرد." (۱)

این اندیشه لنین متوجه تحلیلی مشخص و تاریخی از رابطه رفرم و انقلاب است. میان این دو همواره مرزی وجود دارد. نباید این مرز را مخدوش کرد. در غیر این صورت در باتلاق رویزیونیسم فرو می‌رویم. اما در همین حال این مرز نباید مطلق شود، و گرنه دچار دگماتیسم می‌شویم. بنابراین باید در هر موقعیت مشخص، پاسخی مشخص تاریخی به این پرسش بیابیم که در این موقعیت، مرزهای میان رفرم و انقلاب کجاست. برخی شواهد حاکی است که در صورت وجود تناسب قوای لازم، با توجه به نقش‌نویین و محتوای نوین اصلاحات در تحت شرایط کنونی، می‌توان با اصلاحات بنیادین ضد انحصاری، ساختارهای جامعه سرمایه‌داری را شکست و با اصلاحات، گامهای بیشتری بسوی آستانه گذار به نظامی دیگر را در مقایسه با آنچه در گذشته ممکن بود، برداشت.

مضمون‌های جدید اصلاحات در دوره کنونی از تحول، در همین حال، بازاندیشی در رابطه با سیاست اتحادیه‌های طبقه کارگر برای تحقق این اصلاحات را ضروری می‌کند. به نظر می‌رسد نه تنها طیف سیاست رفرم، بلکه همچنین طیف اتحادیه‌های ممکن گسترش یافته است. این طیف امروز از ائتلافهای اصلاح طلب نیروهای متفاوت اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک زحمتکشان تا امکان همکاری‌های موضعی با نیروهای سرمایه بزرگ برای حل این یا آن مسئله بشریت را شامل می‌شود. در این میان، آن نیروهای سرمایه که می‌توان در مورد یک مسئله با آنها اشتراک منافع داشت، می‌توانند در مورد مسئله دیگری، دشمنانی باشند که باید لبه تیز حمله را متوجه آنان ساخت.

مثلاً آن نیرویی که در خلع سلاح و تغییر صنایع اسلحه‌سازی ذینفع است، ممکن است در مبارزه برای حل مسائل محیط‌زیست در آن سو قرار گیرد. اما اصلاحات اجتماعی، تاچه رسد به اصلاحات بنیادین ضد انحصاری که متوجه عقب بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

راندن و بالاخره، محو قدرت مطلق سرمایه بزرگند، تنها از راه رویارویی زحمتکشان با سرمایه انحصاری قابل تحقق است.

رفرم و دگرگونی بنیادین

ما کمونیستها وقتی بر افزایش اهمیت و مضمونهای جدید مبارزه برای اصلاحات تاکید می‌کنیم، به هیچ وجه هدف سوسیالیستی خود را از نظر دور نمی‌داریم. ما تلاش داریم این آگاهی را گسترش دهیم که پیروزی‌های بدست آمده از طریق رفرم تنها وقتی پایدارند که ادامه یابند و برای تحولات هر چه عمیق‌تر مورد استفاده قرار گیرند. ج. ک. آ. این حکم لنین را از نظر دور نمی‌دارد که نوشت: "رفرم رفرم در جامعه سرمایه‌داری دارای خصلت دوگانه‌ای است" و می‌تواند هم به تحکیم نظام استثمارگر سرمایه‌داری و سلطه این نظام بر طبقه کارگر و هم به بهبود مواضع مبارزه طبقه کارگر در تلاش برای محو نظام استثمارگر کمک کند" (۲).

توجه به این امر تحت شرایط سرمایه‌داری انحصاری دولتی اهمیت ویژه‌ای دارد. "سرمایه‌داری امروز تنها به شرطی می‌تواند به موجودیت خود ادامه دهد که پیوسته و هر چه بیشتر، خود را با تحولات برق‌آسای نیروهای مولده و تناسب قوای اجتماعی بین المللی انطباق دهد. این ناگزیری، سرمایه‌داری را به سمت رفرم‌هایی سوق می‌دهد که هدف آنها حفظ توان کارکرد این نظام کهنه است. اما این رفرم‌ها تنها زمانی به این هدف می‌رسند که نه خودسرانه، بلکه به میزان معینی مطابق با خصلت اجتماعی نیروهای مولده باشند. رفرم‌ها بدین ترتیب به میزان معینی خصلت دوگانه می‌یابند. از یک سو قدرت انحصارات را تحکیم می‌کنند و از سوی دیگر، بی‌ثباتی درونی آن را افزایش می‌دهند" (۳).

بدین ترتیب رفرم‌های دولتی - انحصاری به میزان معینی، زمینه را برای اکثرانیوهای دموکراتیک فراهم می‌کنند. این رفرم‌ها می‌توانند تحت شرایط معینی، یعنی رفرم‌ها بتوان آگاهی توده‌های کارگران را ارتقا و تناسب قوا را به سود زحمتکشان تغییر داد، در جهت ضدانحصاری سوق یابند. اما این دوگانگی، از سوی دیگر توان سرمایه‌داری انحصاری دولتی برای مسخ رفرم‌های دموکراتیک را افزایش می‌دهد. بنابراین رفرم‌ها الزاما تأثیر ممتد ندارند، بلکه در موارد بسیاری در جهت تثبیت نظام عمل می‌کنند.

مسئله‌ای که مطرح است و نباید در مورد آن ناروشنی وجود داشته باشد، این است که دست بالا گرفتن این یا آن جنبه از رفرم‌ها در سرمایه‌داری، بستگی به اقدام فعالانه طبقه کارگر و سایر نیروهای دموکراتیک دارد. همه چیز وابسته به این است که بتوانیم "توده‌ها را وارد مبارزه مستقل اقتصادی و سیاسی کنیم، مبارزه‌ای که کارگران تنها از طریق آن می‌توانند دستاوردهای واقعی کسب کنند" (۴).

رفرم‌های دموکراتیک، اجتماعی و اکولوژیک دارای جایگاه خودند. در همین حال، مبارزه برای

چنین رفرم‌هایی، برای مبارزه در راه تحولات بنیادین اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. "طبقه کارگر تنها از طریق تحقق عملی رفرم‌های دموکراتیک در اهماق حقوق به دست آمده از این راه، می‌تواند به اعتقاد به تغییرپذیری و قابل غلبه بودن جامعه سرمایه‌داری، به اعتماد به نیروی خود، به تشکل، آگاهی طبقاتی و تجارب و شناخت‌های ضروری برای دگرگونی جامعه برسد." (۵)

ج. ک. آ. بر اساس شرایط مشخص کشور ما و زمان ما موضع خود را در مورد رابطه مبارزه برای اصلاحات و مبارزه برای دگرگونی بنیادین اجتماعی، در برنامه خود، فرموله کرده است. در آنجا گفته می‌شود: "مبارزه برای رفرم‌های دموکراتیک، جایگاه مهمی در مبارزه جنبش کارگری دارد. ج. ک. آ. با قاطعیت در راه هر چیزی که در خدمت بهبود وضع زحمتکشان، گسترش حقوق آنها، افزایش میدان عمل سیاسی آنها و ایجاد امکانات مشارکت و کنترل دموکراتیک باشد، مبارزه می‌کند. ج. ک. آ. تحقق چنین رفرم‌هایی توسط زحمتکشان را کاملاً مهمی در مبارزه برای تحقق چرخشی به سوی ترقی دموکراتیک و اجتماعی و در همین حال، در آنها امکانی برای بهبود شرایط مبارزه در راه دگرگونی‌های عمیق اجتماعی می‌بیند.

ج. ک. آ. مبارزه برای رفرم‌های دموکراتیک را با رد همه تلاش‌ها در جهت محدود کردن طبقه کارگر به چارچوب نظام اجتماعی سرمایه‌داری و تحکیم نظام سلطه دولتی - انحصاری تحت پوشش اصلاحات، همراه می‌کند. ج. ک. آ. مخالف هر تلاش برای محدود کردن مبارزه طبقه کارگر به رفرم‌ها در چارچوب سرمایه‌داری است."

بنابراین، ج. ک. آ. برای آن رفرم‌هایی می‌رزم که وضع زحمتکشان را بهبود بخشد، قدرت سرمایه بزرگ را عقب برانند، شرایط بهتری برای صلح و خلع سلاح و نیز حل سایر مسائل بشریت ایجاد کنند، به زحمتکشان نفوذ بیشتری ببخشند تا بتوان نیروهای نوینی بسیج و به جنبش برای ترقی اجتماعی جلب کرد. بدین ترتیب، هدف در همین حال، ایجاد شرایط بهتری برای مبارزه در راه سوسیالیسم است. در مورد بسیاری از مسائل اجتماعی اساسی که مطرح‌اند، تنها سوسیالیسم است که می‌تواند شرایط حل آنها به سود زحمتکشان را تأمین کند.

در رابطه با خواستهای مربوط به اصلاحات، اغلب مسئله امکان تحقق آنها مورد بحث قرار می‌گیرد. این امر، مهم و ضروری است. اما باید از دو افراط پرهیز کرد. یکی در این است که امکان تحقق رفرم‌ها را تنها با تناسب قوای موجود بسنجیم. اما تناسب قوا، چیزی نیست که یک بار برای همیشه بماند، بلکه همراه با مبارزه طبقاتی، تغییر می‌کند. تلاش برای تعیین ابعاد و خصلت خواستهای اصلاح طلبانه تنها بر اساس "تحقق‌پذیری" بلاواسطه آنها در آینده نزدیک، به اپورتونیزم و به چشم‌پوشی از فعالیت برای تغییر اساسی تناسب قوای طبقات و گسترش مرزهای ممکنات می‌انجامد. لنین تاکید می‌کرد: "برنامه ما تنها به معنای گسترده و

فلسفی آن باید قابل تحقق باشد و در آن هیچ حرفی در تضاد با گرایش کل روند اجتماعی - اقتصادی قرار نگیرد. اما اگر این گرایش را در کل و در جزئیات آن، به درستی تعیین کنیم، باید بنام اصول انقلابی و وظیفه انقلابی خود با تمام قوا همواره و بدون قید و شرط در راه خواستهای حداکثر خود بپردازیم." (۶)

به عبارت دیگر، لنین مسئله تحقق‌پذیری خواستهای رادیکال را با چشم اندازهای گسترش مبارزه طبقاتی تا سرحد انقلاب سوسیالیستی مربوط می‌دانست. برنامه ج. ک. آ. نیز بر اهمیت برخورد انعطاف‌پذیر به مسئله تحقق‌پذیری و مطلق نکردن آن با چشم‌داشت به تناسب قوای موجود، تاکید می‌کند. ما زمانی که در سال ۱۹۷۸، در طرح خود برای چرخش به سوی پیشرفت دموکراتیک و اجتماعی، خواست دولتی کردن بخش‌های معین اقتصاد همراه با کنترل دموکراتیک را مطرح کردیم، هنوز هیچ کس با ما هم‌صدا نبود. در آن زمان هنوز قابل پیش‌بینی نبود که این خواست بر زمینه بحران در هر صه فولاد و کشتی‌سازی بدین سرعت، به خواستی که حداقل در میان فعالین سندیکیایی مورد بحث داغ است، تبدیل شود.

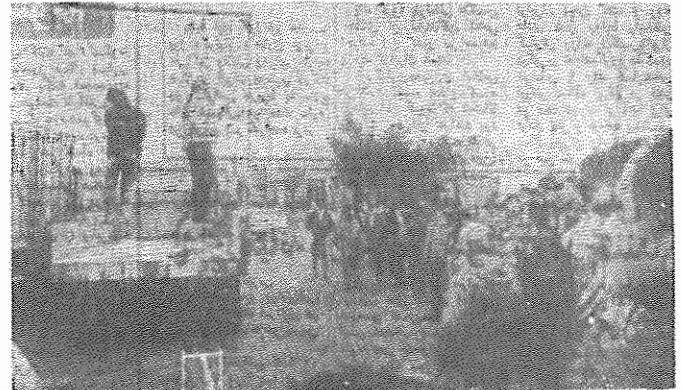
از سوی دیگر، انقلابیون نباید در فرموله کردن خواستهای عاجل خود از امکانات واقعی سیاسی دور شوند و خواستهای مراحل آتی مبارزه طبقاتی را بطور دلخواه، وظایف امروز اعلام کنند. مثلاً اگر ما کمونیستها امروز در آلمان فدرال به عنوان خواست بلاواسطه، اجتماعی کردن کل صنایع بزرگ را مطرح کنیم، سودچندانی در بر نخواهد داشت.

محک برای سنجش سیاست کمونیستها برای اصلاحات

در حالی که بحث در مورد رفرم یا انقلاب در اوایل این قرن، در آن دوره از تحول، با توجه به توفان انقلابی که از راه می‌رسید، به مرز میان رفرمیستها و انقلابیون تبدیل شد، امروز افزایش اهمیت و مضامین جدید سیاست اصلاحات در دوره کنونی از تحول می‌تواند باعث شود که رفرمیستها و انقلابیون در مبارزه برای وظایف آینده قابل پیش‌بینی، به هم نزدیک‌تر شوند و عرصه‌های همکاری خود را گسترش بخشند. در حقیقت، امروز در مبارزه برای اصلاحات، بسیاری چیزها ما را به سایر نیروهای دموکراتیک، و قبل از همه با سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها، با رفقای سندیکیایی با گرایشهای متفاوت سیاسی و ایدئولوژیک، پیوند می‌دهد. ما باید هر آنچه را در توان داریم، انجام دهیم تا این فصل مشترک، محور قرار گیرد و اتحاد عمل تحقق یابد، زیرا ما تنها به اتفاق هم می‌توانیم از آنچه بدست آمده است دفاع کنیم و گام‌های بعدی را تحقق بخشیم. در همین حال، دقیقاً در مبارزه برای اصلاحات هم نباید هویت ویژه کمونیستی ما کمرنگ شود. ما هرگز نباید از نظر دور داریم که وظیفه ویژه در مبارزه برای اصلاحات، باید در این باشد که به پیش‌رویم و به رفرم‌ها، جهت ضدانحصاری و متوجه محدود کردن قدرت سرمایه بزرگ

بته از صفحه آخر

موج کشتار، راه حل رژیم فقها برای اعتیاد



نوسان جنازه ها بر فراز میدان بنی هاشم در محله مجیدیه تهران، جنایت عظیم جمهوری اسلامی در تخریب روان اجتماعی

مستقیم جمهوری اسلامی است از عوامل گسترش بحرانی اعتیاد است. در همین رابطه است که موسوی نخست وزیر رژیم در موج هیاهو در باره اعدام قاچاقچیان گفت: «(اعتیاد) هلت مهنوی دارد، هلت مادی ندارد». یعنی به دنبال فقر و بیکاری و غیره نگردد. او فراموش کرده که چند روز قبل از آن گفته بود مادر این ده ساله بیچاره نکرده باشیم انسان اسلامی ساخته ایم.

جمهوری اسلامی در مقابله با گسترش اینگونه اعتیاد و هم در راه از زیر ضرب خارج ساختن خود، اعدام پر سرو صدا و وسیع قاچاقچیان را پیشه ساخته است. مبارزه با قاچاق در قاموس جمهوری اسلامی، در رژیمی که اعدام و کشتار همزاد و همذات با آن است، جز اعدام قاچاقچیان معنای دیگر ندارد.

«شورای تشخیص مصلحت نظام» طرعی را که از اول بهمن ماه رسمیت یافته است به تصویب رسانده به موجب این طرح که نشریات رژیم آنرا «قانون جدید مبارزه با مواد مخدر» نام نهاده اند، با قاچاقچیان مواد مخدر بوسیله کیفر مرگ مقابله خواهد شد. بر اساس این مصوبه نزد هر کس بیش از ۳۰ گرم هروئین و یا ۵ کیلوگرم تریاک یافت شود اعدام خواهد شد. قبل از رسمیت یافتن این قانون، دستگاه قضایی رژیم به استقبال آن شتافت. روزنامه های رژیم در

اعتراف دارد آمارهای رسمی تعداد معتادان را بیش از ۲ میلیون نفر ذکر کرده اند.

مردم بخوبی عامل اصلی گسترش سرسام آور اعتیاد را می شناسند. دست های سیاه رژیم هم در ایجاد زمینه های اعتیاد جوانان و هم در بندوبست های حکومتیان با عوامل توزیع مواد مخدر بخوبی هویدا است. بیکاری گسترده، آینده تاریک و نبود چشم انداز، نبود امکانات و مراکز سالم تفریحی، انواع فشارهای مادی و روانی و ده ها دلیل دیگر که ایجاد گرو یا تشدید کننده آن بطور

ارزیابی قرار دهیم. اعتیاد در کشور ما بیداد می کند. ارزانتر از پاکت سیگار، بسته هروئین یافت می شود. هر کوی و برزن و هر چهارراه و معبر محل تجمع گروهی از جوانان معتاد شده است. بنابر یک گزارش دریافتی از یک دبیرستان دخترانه در تهران، به دنبال کشف مقداری هروئین از یک دختر دانش آموز و بازجویی از وی توسط مدیر و معلمان، روشن شد که ۱۶ نفر دیگر از محصلان همان مدرسه معتادند. وزیر کشور خمینی خود به وجود بیش از یک میلیون معتاد

نیمه دوم دی ماه هر روز اعدام چندین نفر را به اتهام شرکت در قاچاق مواد مخدر اعلام کردند. موسوی اردبیلی دادستان رژیم خمینی خطاب به قاچاقچیان مواد مخدر سبانه اعلام کرد که از دستگیری تا اعدام حداکثر ده روز فاصله خواهد بود.

در موج قبلی هیاهوی رژیم در مورد مبارزه با مواد مخدر، در اقدامی غیر انسانی خانه ها و مقارنه های اهالی اطراف خیابان جمشید تهران به این بهانه که مرکز مبادله مواد مخدر است، ویران شد و اهالی آن رابی پناهترو درمانده تر از پیش، بی خانمان در سطح شهر پراکنده ساختند.

در اعدام وسیع قاچاقچیان مواد مخدر باید رژیم تبهکار خمینی را بخاطر تلاش برای سرپوش گذاشتن و به حاشیه بردن کشتار همگانی زندانیان سیاسی، بخاطر جنایت عظیم بخاطر افکندن سلامت روان اجتماعی بوسیله انجام اعدام ها در ملاعام، به عنوان عامل اصلی در گسترش اعتیاد، بخاطر سببیت و رفتار غیر انسانی با قاچاقچیان و اعدام گسترده آنان محکوم ساخته و نزد همگان افشا کرد. ما ضمن محکوم کردن اعدام گسترده قاچاقچیان مواد مخدر توسط جمهوری اسلامی و نقش این رژیم در گسترش اعتیاد در کشورمان نسبت به خطر اعدام زندانیان سیاسی تحت نام قاچاقچی هشدار می دهیم.

«جمهوری فدرال آلمان در سال ۲۰۰۰ - پیشنهادهای ح. ک. آ. برای یک اکثریت صلح و دموکراسی برای سالهای ۹۰» تصویب برای بحث به حزب و نیز محافل دموکراتیک ارائه کرد. در این سند کوشش شده است برخورد اصولی کمونیستی و نیز شناختهای جدید ما در مورد جایگاه و مضامین مبارزه برای اصلاحات در دوره کنونی تحول، راهنما قرار گیرد.

منابع

- ۱) و. ا. لنین: مجموعه آثار به زبان آلمانی، ج. ۱۷، ص ۱۰۰.
- ۲) همانجا، ج. ۱۲، ص ۲۳۰.
- ۳) امپریالیسم آلمان فدرال - فرانکفورت ۱۹۷۲، ص ۱۹۷.
- ۴) و. ا. لنین، مجموعه آثار به زبان آلمانی، ج. ۱۵، ص ۴۴۳ تا ۴۴۴.
- ۵) امپریالیسم آلمان فدرال، ص ۶۶۲.
- ۶) و. ا. لنین، مجموعه آثار به زبان آلمانی، ج. ۱۰، ص ۱۰۸.

ترجمه شده از: «مسائل صلح و سوسیالیسم» شماره ۱۲ - سال ۱۹۸۸

تصمیم گیری در هر صحنه سیاست، خواست حق مشارکت برای سندیکاها و انجمن های مردمی، خواست انجام رفتار دموکراتیک و همه پرسی ها و نیز سایر اشکال دموکراسی بلاواسطه و مستقیم، وزن ویژه ای دارد. ح. ک. آ. بر پایه نظرات لنین درباره اهمیت جلب توده های زحمتکشان به مبارزه در راه اصلاحات، در تعیین خصلت و محتوای آن، که ذکر آن رفت، همواره می کوشد هر چه فعالانه تر، بخشهای هر چه بزرگتری از زحمتکشان را به مبارزه برای اصلاحات جلب کند.

بنابراین به عبارت خلاصه، عنصر ویژه در سیاست اصلاحات کمونیست در نقش پیشتاز مادر جهت دموکراتیزه کردن هر چه فزاینده تر در همه عرصه های زندگی اجتماعی است. اما با این همه، برای حزب کمونیست مهم است که به توهیات دامن زنند، که به زحمتکشان صادقانه مرزهای اصلاحات در سرمایه داری را نشان دهد، که ضرورت سوسیالیسم را مستدل کند، حتی در شرایطی که دگرگونی سوسیالیستی برای کشور ما وظیفه مبرمی نباشد.

هیات رهبری ح. ک. آ. در یازدهمین اجلاس خود در ژوئن ۱۹۸۸ طرح سندی را تحت عنوان

«بدهیم و مواضع طبقاتی را تدوین و ترویج کنیم. محک های تعیین کننده در این مورد، نزدیک تر شدن به طرح مسئله مالکیت و قدرت و نیز گسترش جنبش های توده ای در مبارزه برای اصلاحات است».

مارکس و انگلس در «مانیفست حزب کمونیست» تأکید کردند که کمونیست ها در همه جنبش ها، مسئله مالکیت را پیوسته بعنوان مسئله اصلی جنبش، مطرح می کنند. این حکم در کاربست بر شرایط امروز بدین معنی است که باید در همه تحلیل های ما در مورد اصلاحات، خواست تأثیرگذاری دموکراتیک زحمتکشان بر مکانیزم هدایت دولتی - انحصاری در چارچوب ملی و نیز در سطح بازار مشترک، خواست دستیابی به مشارکت موثر و کنترل توسط زحمتکشان و اتحادیه های آنها، یعنی خواست مداخله در اعمال در اختیار گرفتن مالکیت، و نیز خواست اجتماعی کردن بخشهای معین اقتصاد با کنترل دموکراتیک، جایگاه مهمی داشته باشد. تا آنجا که به نزدیک شدن خواستهای اصلاح طلبانه به مسئله قدرت سیاسی مربوط می شود، برای ما خواستهای حق نظر و مشارکت زحمتکشان در

دانشگاه‌های کشور:

مبارزه ادامه دارد

«بالایی‌ها» بگویند پذیرفته شود. با توجه به کمبودهای موجود در مهرماه اعتراضاتی بوقوع پیوست که باعث شد مسئولین در ظرف سه هفته اقداماتی برای بهبود اوضاع انجام دهند. مثلاً کمک هزینه‌های معوقه مربوط به «ترم موشک باران» را شروع به دادن کرده‌اند و یا برای نهارخوری ژتون هفتگی وضع کرده‌اند و همچنین اعلام کرده‌اند که هر دانشجو می‌تواند یک بسته کافدزیراکس، ۲۰۰ برگ کافد کلاسور و تعدادی خودکار

ملی (دانشگاه بهشتی) شایع است که انجمن اسلامی دنبال بهانه برای اخراج تعدادی از دانشجویان می‌گردد. علت آن انجام چند حرکت متحد و متشکل صنفی است که توسط دانشجویان صورت گرفته است.

گزارش کردیم، برای اعتراض به رژیم سرکوبگر و خودکامه خمینی یک دانشجو در تهران خود را به آتش کشید. این دانشجو صادق بوذری نام داشته است. عمل جانبازانه صادق بوذری که بهنگام سوختن علیه رژیم خمینی شعار می‌داده است، بازتاب وسیعی در

بقیه از صفحه اول

و دلبازی کرده و غذای بهتری را ارائه کرده‌اند. این امر در چارچوب سیاست رژیم دایر بر برگزاری فرمایشی مراسم ۱۶ آذر برای جلوگیری از برگزاری آن توسط خود دانشجویان صورت گرفت. در دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان بهمن مناسبت چلو مرغ دادند! جمع کثیری از دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر از دریافت این غذا خودداری کردند و به این وسیله یاد ۱۶ آذر را گرامی داشتند. در همین روز در جلوی در ورودی دانشکده متنی نصب شده بود که در آن اجتماع بیش از ۴ نفر در صحن دانشکده ممنوع اعلام شده بود.

دانشگاه شیراز

بهنگام واحدگیری برای نیمسال جدید تحصیلی در دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز یک حرکت اعتراضی دانشجویی شکل گرفت. در اتاق کوچکی که به امر واحدگیری اختصاص داشت، بعد از گذشت زمانی کوتاه، از سوی آموزش دانشکده اعلام شد که «واحدها تمام شده است و واحد نداریم!!» و خواستار خروج دانشجویان از محوطه واحدگیری می‌شوند. در این زمان دانشجویانی که واحدگیرشان نیامده بود شروع به اعتراض و شکستن شیشه‌ها کردند. فردای آنروز اسامی حدود ۵۰ نفر را بعنوان دانشجوی تعلیقی اعلام می‌کنند که حق شرکت در این نیمسال را ندارند. به دنبال آن قریب ۲۰۰ تن از دیگر دانشجویان اعلام کردند که تارفع تعلیق از افراد ذکر شده در سرکلاس‌ها حاضر نخواهند شد و خواهان رفع تعلیق و رفع محدودیت واحدگیری شدند.

در موردی دیگر در ناهارخوری همین دانشکده بین دانشجویان و مسئولین آن درگیری پدید آمد که منجر به شکستن چند شیشه ناهارخوری شد.

مقامات رژیم منجمله حائری شیرازی امام جمعه شیراز در رسانه‌های خبری به بروز اعتراضات دانشجویی در دانشگاه شیراز اعتراف کردند.

دانشگاه

علامه طباطبایی

همانگونه که در شماره پیش

با اعتصاب غذای صومی در روز ۱۶ آذر خاطر متابناک قیام تاریخی دانشجویان را گرامی

گرامی باد یاد شهدای راه آزادی - استقلال و آگاهی - شریعت رشیدی - بزرگ نیا و تندچی

دانشجویان

سی و پنجمین سالگرد ۱۶ آذر روز جهانی دانش را در شرایطی پراساس داریم که به دنبال سیاستهای اعمال شده از جانب مسئولان جمهوری اسلامی در طی چند سال پس از انقلاب ضربات هولناک و مهلکی بر پیکره دانشگاه این پایگاه استوار دفاع از منافع و حقوق مردم وارد آمده است. متعاقب تولد به اصطلاح انقلاب فرهنگی تلاش فراوانی اواز طرف حاکمیت در جهت جداسازی دانشگاه از جایگاه حقیقی خود صورت پذیرفته که حاصل این تلاش نفی شخصیت و حریت سیاسی - اجتماعی - تاریخی دانشجو و جلوگیری و سرکوب هر نوع تشکل و تجرک عقیدتی - صنفی و رفاهانی مستقل و غیر وابسته به نهاد های حاکم در دانشگاه و ایجاد مشکلات و بن بستهای گوناگون در زمینه مسائل آموزشی - تحصیلی - رفاهی و فرهنگی بوده است. با این همه اعتراضات صومی گسترده اخیر از حرکت دانشجویان دانشگاه تبریز و دانشگاههای تهران و دیگر شهرستانها گرفته تا خود سرری متاثرکننده صادق بوذری دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی یکبار دیگر نشان داد که دانشجو علاوه بر رسالت اجتماعی خود را بشقاب مظهر آگاهی و عسکرمی جامعه علیه انواع ساء و محرومیت فراموش نکرد و همچنان میتواند مشعلدار مبارزه در راه استقلال و آزادی و سبیل خواستهای برحق ملت خیزش کرد.

دانشجویان آگاه

سیاست گذاران اسیر دانشگاهها و عوامل ناآگاه آنها در انجمنهای اسلامی درصدد هستند که مسیر حرکتهای دانشجویی را منحرف ساختن از ارتقاء مبارزات جلوگیری به عمل آورند.

کلیشه بخشی از یک اعلامیه پخش شده در دانشگاه به مناسبت ۱۶ آذر

دانشگاه صنعتی تهران (امیر کبیر)

بخشی از یک نامه:

«...مشکلات صنفی خودنمایی می‌کنند. دانشجویان نیز مثل سابق خواهان بهبود وضع ناهارخوری، کمک هزینه، کتاب، کافد، امتحان و غیره می‌باشند. صرف نظر از دانشجویان «سهمیه‌ای» بقیه به دنبال بهبود وضعیت شرایط هستند و اینطور نیست که هر چه

میان دانشجویان دانشگاه‌های مختلف داشته است. مقامات رژیم نتوانستند در مقابل شهادت افشاگران صادق بوذری به سکوت خود ادامه دهند. خامنه‌ای کوشید خودسوزی صادق بوذری را فاقد انگیزه سیاسی جلوه دهد و ابراز داشت «یک عده آدم‌های ناآرام خواستند به آن رنگ سیاسی بدهند».

دانشگاه ملی

در دانشکده پزشکی دانشگاه

دریافت کند. دولت نیز به دست و پا افتاده است. مثلاً نخست وزیر اعلام کرد که دو درصد مصالح ساختمانی کشور به ساختمان خوابگاه‌های دانشجویی اختصاص داده می‌شود. خلاصه وقتی سببه پرزور باشد، بهر حال راه باز می‌شود. جالب آن است که موسوی خودش را برای انجام این کارها به وسط میدان انداخته و گرفتن این امتیازها را به خودش نسبت می‌دهد. ولی کیست که نداند؟»

نجیب الله: آمادگی تحولات نامساعد را داریم

در جریان سفر شوارندازه وزیر خارجه شوروی به افغانستان، که در هفته گذشته خبر آن را درج کردیم، میان وی و مقامات افغانی، از جمله نجیب الله رئیس جمهور افغانستان، مذاکراتی در مورد اوضاع جاری این کشور صورت گرفت. در بیانیه مشترک منتشر شده در کابل آمده است، امکانات عینی برای پایان دادن به خونریزی در افغانستان وجود دارد، اما دولت افغانستان کماکان آماده است در مقابل فشار قهرآمیز و حملات مسلحانه مقاومت کند.

نجیب الله تاکید کرد دولت پس از خروج نهایی واحدهای نظامی شوروی آمادگی "تحول نامساعد اوضاع" را نیز دارد. شوارندازه بار دیگر آمادگی شوروی را برای میانجی گری جهت تحقق یک راه حل سیاسی با شرکت همه نیروهای سیاسی افغانستان مورد تاکید قرار داد.

بنون سوان، مامور ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد مسائل افغانستان در نیویورک اعلام کرد که در تماس دائم با همه طرفهای افغانی است. وی افزود که ظرف دو ماه گذشته از طرف خاویر پرز و کوئیار ۳۶ بار میان کابل و اسلام آباد رفت و آمد کرده و پیشنهادهای مربوط

به یک راه حل سیاسی را ارائه نموده است. سوان گفت تا به حال این مذاکرات نتیجه ای جز موافقت ائتلاف هفتگانه اپوزیسیون افغانستان - مستقر در پشاور پاکستان - و ائتلاف هشتگانه مورد حمایت جمهوری اسلامی با تشکیل یک شورای ۵۵۰ نفره برای تعیین حکومت آینده در افغانستان، در بر نداشته است. قرار است این شورا در تاریخ ۱۲ بهمن (اول فوریه) تشکیل جلسه دهد. هنوز معلوم نیست در این اجلاس نمایندگان از حزب دمکراتیک خلق افغانستان شرکت خواهند داشت یا نه.

در حال حاضر، نیروهای مسلح اپوزیسیون کلیه راههای منتهی به کابل را مسدود کرده اند و تنها یک جاده در شمال کابل قابل رفت و آمده است. شمار زیادی از مردم مناطق مختلف افغانستان به دلیل شدت گرفتن نبردها، به کابل وارد شده اند. جمعیت کنونی کابل ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده می شود. گزارشها حاکی از وخیم شدن وضع توزیع مواد غذایی در شهر است. این موقعیت با ادامه حملات موشکی خونبار همراه است. در روز جمعه نیز کابل و چند شهر دیگر هدف موشک قرار گرفتند.



بر اثر شدت گرفتن نبردهای مسلحانه در مناطق مختلف افغانستان، شمار زیادی از مردم این مناطق به کابل پناه می آورند.

اتحاد شوروی: باز هم گامهای یکجانبه خلق سلاح

اقدام، در نهایت، پایان دادن به هرگونه حضور نظامی شوروی در خارج از این کشور است.

گارباجف در دیدار با ژیسکاردستن رئیس جمهور سابق فرانسه، کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا و ناکازونه نخست وزیر اسبق ژاپن، جزئیاتی از کاهش یکجانبه نیروهای شوروی در اروپا تا سال ۱۹۹۱ را اعلام کرد. وی گفت کاهش ۵۰۰ هزار نفر از کل افراد ارتش شوروی به معنای کاستن ۱۲ درصد از نفرات این ارتش است. از این تعداد، ۲۴۰ هزار نفر در بخش اروپایی شوروی ۲۰۰ هزار نفر در شرق و ۶۰ هزار نفر در جنوب شوروی از خدمت نظامی-مخصص خواهند شد. از ۱۰ هزار تانکی که از اروپا فراخوانده می شوند، ۵ هزار دستگاه نابود می شوند.

ادوارد شوارندازه وزیر خارجه شوروی طی سخنانی در اجلاس پیرو کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که هفته گذشته در وین پایتخت اتریش برگزار شد، اعلام کرد اتحاد شوروی بطور یکجانبه سلاحهای اتمی تاکتیکی خود (با برد کمتر از ۵۰۰ کیلومتر) را از آلمان دمکراتیک، چکسلواکی و مجارستان بر خواهد چید.

همچنین در آستانه این کنفرانس، میخائیل گارباجف رهبر شوروی اعلام کرد بودجه تسلیحاتی سالانه شوروی ۱۴/۲ درصد و تولید سلاحها و تجهیزات نظامی ۱۹/۵ درصد کاهش می یابد.

شوارندازه در رابطه با فراخواندن نیروهای شوروی از اروپای شرقی اعلام کرد هدف از این

کنگره حزب کمونیست اسپانیا

طی کنگره ای در مادرید، بخشی از حزب کمونیست خلقهای اسپانیا با حزب کمونیست اسپانیا وحدت کردند. اینگناسیو گایگو، که تا پیش از این صدر حزب کمونیست خلقهای اسپانیا بود، از جمله شخصیت های شرکت کننده در این کنگره بود که با حزب کمونیست اسپانیا وحدت کردند.

در این کنگره، ۶۵۳ نماینده از حزب کمونیست اسپانیا و ۲۸۷ نماینده از حزب کمونیست خلقهای اسپانیا شرکت داشتند. کنگره، همه اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا را در سمت خود ابقا کرد و ۲۳ تن از رفقای را که عضو حزب کمونیست خلقهای اسپانیا بودند، به عضویت کمیته مرکزی برگزید. خولیو آنگو ئیتا بار دیگر به دبیر کلی حزب انتخاب شد.

در قطعنامه کنگره، از مبرم ترین وظایف سیاسی کمونیستهای اسپانیا و در وهله اول، مبارزه در راه صلح نام برده شده است.

لازم به یادآوری است که اکثریت اعضای حزب کمونیست خلقهای اسپانیا، از پیوستن به روند وحدت در مقطع کنونی خودداری کردند و کماکان در این حزب باقی ماندند. حزب کمونیست خلقهای اسپانیا بدنبال روی آوردن حزب کمونیست اسپانیا به "اروکمونیسم" از اتحاد چندین گروه منشعب از این حزب تشکیل شد. علاوه بر این دو حزب، جنبش کمونیستی اسپانیا شامل "حزب کارگران اسپانیا - وحدت کمونیستی" نیز هست که توسط سانتیاگو کاریو، دبیرکل سابق حزب کمونیست اسپانیا رهبری می شود. این حزب در ائتلاف انتخاباتی "چپ متحد" که در آستانه انتخابات پارلمانی ۱۹۸۶ تشکیل شد، شرکت نداشت. این ائتلاف، از جمله شامل حزب کمونیست و حزب کمونیست خلقهای اسپانیا بود و در انتخابات به ۴/۳ درصد آرا دست یافت.

اتحادیه "همبستگی" در لهستان قانونی خواهد شد

بدنبال بحثهایی شدید و طولانی، پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان به پیشنهادهای رهبری حزب در مورد انجام اصلاحات در این کشور رای مثبت داد. به گزارش خبرگزاری لهستان، وویسخ یاروزلسکی دبیر اول حزب طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که در جریان مباحث پلنوم، در مقابل مخالفان تصویب مشی اصلاحات، همراه با اعضای دفتر سیاسی تهدید به استعفا کرده است. در پایان این بحث، اعضای کمیته مرکزی تنها با چهار رای ممتنع و بدون رای مخالف، رهبری کنونی حزب را مورد تایید قرار دادند. همچنین اصل پلورالیسم سندیکایی که به موجب آن اتحادیه "همبستگی" اجازه فعالیت قانونی خواهد داشت، با ۱۴۳ رای موافق، ۳۲ رای مخالف و ۱۴ رای ممتنع مورد تصویب قرار گرفت.

طی دو هفته گذشته ده ها نفر در شهرهای مختلف کشور، تحت عنوان قاچاقچی مواد مخدر به دار آویخته شدند.

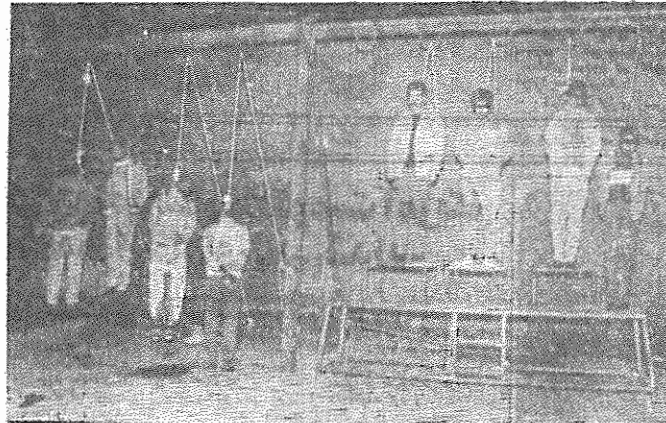
معابر تهران و چند شهر دیگر کشور طی دو هفته گذشته شاهد به دار آویخته شدن ده ها نفر بوده است. این هده در ملاء عام اعدام شده اند. رسانه های رژیم جرم اعدام شدگان را شرکت در حمل و توزیع مواد مخدر اعلام کرده اند. تعداد کسانی که بانام قاچاقچی توسط رژیم اعدام شده اند از سوی رسانه های دولتی ۵۶ نفر ذکر شده است. گزارش هایی بر این دلالت دارند که طی این مدت ۲۵۵ نفر با همین اتمام اعدام شده اند.

اعدام وسیع قاچاقچیان مواد مخدر و شدت تبلیغات و هیاهویی که سردمداران رژیم در این زمینه به راه انداخته اند را قبل از هر چیز باید در ارتباط با جنایت هولناک قتل عام زندانیان سیاسی مورد ارزیابی قرار داد. رژیم خمینی که آماج خشم و نفرت بیحد مردم به

خاطر کشتار زندانیان سیاسی قرار دارد، رژیم جمهوری اسلامی که در میان خانواده بشری بخاطر مجموعه جنایات خود ننگ و رسوایی ابدی را از آن خود ساخته است، برای گم کردن آن جنایت تاریخی در جنایتی کمتر حساسیت

برانگیز، برای انحراف توجه افکار عمومی از کشتار زندانیان سیاسی به کشتاری دیگر که در مقابل آن از قدرت مانور و تبلیغات بیشتری خود را برخوردار می بیند، اعدام های وسیعی از قاچاقچیان مواد مخدر را به اجرا

موج کشتار، راه حل رژیم فقها برای اعتیاد



تعدادی از قربانیان هیاهوی اخیر مبارزه با مواد مخدر

در آورده است. اعدام شدگان مزبور در ملاء عام به دار آویخته شده اند. ایجاد آن روانشناسی عمومی که نسبت به کشتار و اعدام بی تفاوت است و ایجاد بی حساسیتی نسبت به نوسان جنازه ها بر فراز معابر که خود جنایتی عظیم علیه سلامتی روان اجتماعی نیز به شمار می آید از اهداف رژیم خمینی است. برآورده شدن این هدف و عادی تلقی شدن مرگ و کشتار و اعدام را رژیم خمینی به سود خود می یابد. و از نظر جمهوری اسلامی چه بهتر که این هدف از طریق اعدام مجرمینی تحقق یابد که واسطه و دست اندر کاران گسترش یکی از مصائب بزرگ مردم ما هستند. در این صورت رژیم امکان این را نیز می یابد که برخی از زندانیان سیاسی را در کنار قاچاقچیان مواد مخدر، مخفیانه نابود کند.

اما خلاص است اگر اعدام وسیع قاچاقچیان را فقط در ارتباط با قتل عام زندانیان سیاسی مورد بقیه در صفحه ۱۳

از فعالیت های هنری

در خارج از کشور حمایت کنیم

می شود، هنری است سالم، متعهد، اجتماعی و ضدارتجاعی. می کوشد تازگی ها را جذب کند و خود تازگی ارائه دهد. خای آنهم دوست داشتنی است، چرا که برهزم جزمی حکایت دارد که تلاش می ورزد بر آید و بر دهد.

مشوق این هنر باشیم و حامی عرضه کنندگان آن. دست کم می توانیم به دیدن کارهایی که عرضه می شود برویم. این حداقل است. از این حداقل دریغ نورسیم و البته بدان اکتفا نکنیم. از گروه های هنری در خارج از کشور باید حمایت مادی و معنوی وسیعی به عمل آورد. در میان این گروه ها بخشی از سرمایه هنری و معنوی کشور نهفته است. این گروه ها می توانند به زبان هنری پیام رسان مردم کشور ما باشند. این گروه ها یاد میهن را در بعدی عاطفی زنده نگه می دارند و بسی در روحیه ایرانیان خارج از کشور موثرند.

نشریه "اكثریت" از خوانندگان خود می خواهد که از فعالیت های هنری گروه های هنری در شهر و کشور محل اقامت خود بقیه در صفحه ۷

اکنون در اکثر شهرهایی که مرکز تجمع ایرانیان در خارج از کشور است، یک یا چند گروه هنری شکل گرفته است. گروه هایی پدید آمده اند که دیگر بسی کارآمد و مجرب شده اند، کیفیت بالایی به دست آورده و شهرت یافته اند. گروه های دیگر تازه کارند، بعضا حول ارائه یک کار معین شکل می گیرند و بعد ممکن است استمرار کاری نداشته باشند. سلطنت طلب ها و پولدارهای ایرانی هنر خاص خود و گروه های هنری خاص خود را دارند.

مبتذل و بازاری. بی کیفیت و بی ارزش. هنر اینها ادامه هنر شاهنشاهی است، آنهم شاخه کاباره ایش. از این دسته که بگذریم بقیه ایرانیان کوشیده اند حیات هنری کشور را در خارج استمرار ببخشند.

تلاشهایی که صورت گرفته است تاحدی تاثیرات وجودی مخرب جمهوری اسلامی را جبران کرده و باعث شده است بسیاری از تجربیات امکان بقاء انتقال و تکامل بیابند و بسی استعداد های تازه شناخته شوند. هنری که مرضه

برای اشتراك نشریات «کار» و «اكثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبربستی و یارسید باتکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اكثریت»
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 242
MONDAY 23 JAN. 88

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید